

جلسه ۲۴۵

صورت مشروح روز شنبه دهم شهر

جمادی الاولی ۱۳۲۹

رئیس آقای مؤذن الملک سه ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نموده و پس از ده دقیقه مجلس رسماً افتتاح شد.

صورت مجلس روز شنبه را آقای آقامیرزا - ابراهیم خان قرائت نمود.

(غائبین جلسه قبل ۰)

حاج وکیل الرعایا بدون اجازه غائب ۰

طباطبائی - کاشف هریک سه ساعت - دکتر اسمعیل خان سی و پنج دقیقه - آقا شیخعلی شیرازی چهار دقیقه - تربیت نیمساعت از حضور در وقت مقرر تأخیر نموده حاج معین الرعایا آقا شیخ مهدی نجم آبادی مرخص بودند.

ذکاء الملک - در جواب آقای فهیم الملک که اظهار داشتند امتناعیون را نصف بیک طرف و نصف را بیکطرف دیگر بدیم در جواب بنده عرض نکردم که در هیچ جا معمول نیست عرض کردم بنده اطلاع ندارم که در جایی معمول باشد.

حاج عز الممالک - اینجا نوشته شده است که بنده عرض کردم که بودجه مرکزی وزارت مالیه نیامده است در صورتیکه بنده عرض کردم که بر حسب تقاضای وزارت مالیه موقوف مانده است ورود مستخدمین مالیه که بعد از آن مجلس تقدیم میشود **رئیس** - اصلاح میشود - آقایانیکه تازه بسمت وکالت انتخاب شده اند باید امروز قسم یاد نمایند (در این موقع کلام الله را بمجلس آورده رئیس وهیئت حضار برای تعظیم آن قیام نمودند پس از آن هریک از آقایان معذل الدوله - اعتصام الملک - آقامیرزا اسمعیل خان فرزانه آقا سید محمد رضای همدانی - آقا میرزا قاسمخان - دکتر سعید الاطباء - آقامیرزا علی اصفهانی - دکتر لقمان نماینده کلیمیان متوالیاً با اجازه رئیس بکرسی نطق آمده مطابق اصل یازدهم قانون اساسی قسم یاد نموده ورقه قسم نامه را امضاء نمودند.)

رئیس - دستور امروز راپورت کمیسیون بودجه راجع بساختن موزه و مدرسه سیاسی - راپورت کمیسیون بودجه راجع بورنه حامد الملک - ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بکارگذار عراق و قونسول ادسا - لایحه قانونی طبابت ولی راپورت کمیسیون بودجه راجع بساختن مدرسه و موزه هنوز حاضر نشده است از اینجهه آنرا میگذاریم برای روز شنبه عجلالتاً شروع می کنیم بقرائت راپورت کمیسیون بودجه راجع بورنه حامد الملک [راپورت مزبور بمبارت ذیل خوانده شد] بتاريخ ۱۵ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۸ ۰

ورنه مرحوم حامد الملک که مأمور فارس بود و در کاشان بدست اشرار مقتول گردید عرض حال بمجلس داده و استدعا کرده بودند که حقوق دیوانی آن مرحوم بالتام در حق ورنه اش برقرار گردد مراتب بوزارت مالیه اخطار گردید توضیحات خواسته شد در جواب شرحی نوشته اند مبنی بر اینکه مرحوم حامد الملک دو نفر اولاد ذکور و یک نفر انثا که هر سه صغیرند و یک عیال دارد و فعلاً کسی را که کفالت خرج آنها را بکنند ندارند و مقصودشان این است که یکصد تومان حقوق مرحوم مزبور بدون

کسر در حق آنها برقرار شود وزارت مالیه هم نظر باستحقاق ورنه مزبوره و جانفشانی های آن مرحوم در راه خدمت دولت و ملت مسئول آنها را تصدیق مینماید کمیسیون بودجه نیز تصویب مینماید باین عنوان که نصف حقوق مرحوم مزبور موافق قانون متوفیات بملاوه سالی پنجاه تومان بعنوان برقراری جدید در حق ورنه مزبور برقرار گردد ۰

رئیس - مخالفی در اینخصوص هست [گفتند خیر] پس رای می گیریم آقایانی که موافق هستند ورقه سفید خواهند انداخت ۰

[اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضاخان از قرار ذیل استخراج نمود] ۰

ورقه سفید ۵۷ - ورقه آبی ۱

رئیس - با کثرت پنجاه هفت رای تصویب شد [آقایانی که تصویب کردند]

حاج مصدق الممالک ۰ افتخار الواعظین ۰ سلیمان میرزا ۰ معتمدالتجار ۰ دکتر اسمعیل خان ۰ آقا شیخعلی شیرازی ۰ ذکاء الملک ۰ صدرالعماء ۰ شیبانی ۰ حاج سید نصرالله ۰ آقا شیخ ابراهیم ۰ نجات ۰ دکتر لقمان ۰ انتظام الحکماء ۰ حاج محمد کریم خان ۰ معاضد السلطنه ۰ لسان الحکماء ۰ دکتر حیدر میرزا ۰ آقامیرزا ابراهیم قی ۰ آقا سید حسین اردبیلی ۰ آقا محمد پروجردی ۰ آقا سید محمد رضای همدانی ۰ معذل الدوله ۰ آقا میرزا قاسمخان ۰ آقامیرزا اسمعیل خان فرزانه ۰ حاج سید ابراهیم ۰ معزز الملک ۰ ناصر الاسلام طباطبائی ۰ حاج عز الممالک ۰ آقا شیخ رضا ۰ اعتصام الملک ۰ ضیاء الممالک ۰ ارباب کیخسرو ۰ آقا شیخ غلامحسین ۰ حاج میرزا رضاخان ۰ معاضد الملک فهیم الملک ۰ آقامیرزا ابراهیم خان ۰ دکتر سعید الاطباء آقامیرزا احمد قزوینی ۰ تربیت ۰ آقا سید محمد رضای سادات ۰ آقا سید حسین کزازی ۰ آقا سید جلیل ۰ آقا میرزا داود خان ۰ منتصر السلطان ۰ مشیر حضور ۰ ابوالقاسم میرزا ۰ علی زاده ۰ وحید الملک ۰ متین السلطنه ۰ دکتر امیر خان آدینه محمد خان ۰ محمد هاشم میرزا ۰ حاج شیخ رئیس آقامیرزا مرتضی قلیخان ۰

[رد کننده آقای بهجت]

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه راجع بکارگذار عراق خوانده می شود [نیز بمبارت ذیل قرائت شد] بتاريخ هجدهم ربیع الاول ۰

لایحه وزارت خارجه و وزارت مالیه راجع باعزام کارگذار عراق قرائت و وزارت خارجه سالیانه دوهزار دوازده تومان اعتبار خواسته بودند کمیسیون با کثرت ماهی یکصد و بیست تومان اعتبار بوزارت خارجه برای کارگذار عراق تصویب مینماید

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد ۰) پس رای میگیریم آقایانیکه باریورت کمیسیون

بودجه موافق هستند ورقه سفید خواهد انداخت و آقایانی که مخالفند ورقه کبود ۰

(اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضاخان از قرار ذیل شماره نمود) ۰

ورقه سفید ۱۹ ورقه آبی ۱۶ ۰

(آقایانیکه تصویب کردند ۰)

حاج میرزا رضاخان - بهجت - فهیم الملک - آقا میرزا ابراهیم خان - معذل الدوله - حاج شیخ اسدالله - سعید الاطباء - حاج شیخعلی - حاج مصدق الممالک - آقای سید محمد رضای همدانی - افتخار الواعظین - ارباب کیخسرو - آقامیرزا مرتضی قلیخان - دکتر حیدر - میرزا لسان الحکماء - آقامیرزا ابراهیم قی - ذکاء الملک - آدینه محمد خان - متین السلطنه ۰

(آقایانی که رد کردند ۰)

آقامیرزا رضای مستوفی - محمد هاشم میرزا - وحید - الملک - آقا سید حسین کزازی - آقا شیخ رضا - آقا شیخ غلامحسین - ضیاء الممالک - آقامیرزا احمد - علی زاده - ابوالقاسم میرزا - تربیت - منتصر السلطان - آقا سید جلیل آقامیرزا داودخان - سلیمان میرزا - آقا سید محمد رضای سادات - دکتر اسمعیل خان ۰

رئیس - بلا تکلیف مانند لایحه قانونی شغل طبابت در کلیات آن هر گاه مخالفی هست اظهار نمایند ۰

آقای لسان الحکماء مخالف هستند ۰

لسان الحکماء - بله مخالفم ۰

رئیس - بفرمائید ۰

لسان الحکماء - کلبه احکام و قوانینیکه وضع میشود یا خصوصی است یا عمومی است و البته قوانین خصوصی یعنی قوانینی که راجع بیک شهری است مثل قوانین بلدییه ولی قوانین عمومی یعنی قوانینی که افراد ملت باید از آن منتفع بشوند و بنده گمان میکنم که همانطور که آن روز آقای بهجت در باب قانون استخدام فرمودند قانون طبابت هم یکی از آن قوانینی است که باید افراد ملت از آن منتفع بشوند و اگر اینطور نوشته شود و بطور خصوصی بخواهیم آنرا بگذاریم یک قسمت بزرگ از اهالی را از این قانون محروم کرده ایم بلکه بکضرر فوق العاده هم بانها رسانیده ایم بجهت اینکه مثلاً اگر این قانون فقط در تهران مجری شود محفوظ کرده ایم یک جمعیتی را و آن اشخاصی که در تهران اعمال سوء می کردند از حدود قلمرو تهران می روند و بجایهای دیگر و در این جا مشغول طبابت و آدم کشی میشوند و در این صورت یک عده رانجات داده ایم و یک هیئت بیشتری را بیشتر در آتش انداخته ایم باینجهه بنده عقیده ام این است که این قانون یکی از قوانین عمومی است و باید افراد ملت از آن منتفع شوند و بنده در این خصوص یک پیشنهادی کرده ام که تقدیم هیئت رئیسه می کنم و آن راجع باین است که مداول قوانین راجعه بتجدید طبابت را ۶ ماه پس از نشر در دارالخلافه وزارت معارف و داخله در سایر بلاد ایران نشر و سرایت خواهند داد - بنده اگر این پیشنهاد تصویب بشود با این قانون موافقم والا مخالف خواهم بود ۰

دکتر امیر خان - بنده هم مخالف هستم با این که این قانون فقط برای تهران مجری بداریم بجهت این که همین طوری که گفته شد این اطباء وقتی که دیدند در اینجا یک مسئولیتی هست خواهند درفت باطراف و در آنجا مشغول این کار خواهند شد و همین کارها را در این جا می کنند و اما این که یک قانون عامی باید وضع شود این را موافق هستم و تصور نمی کنم کسی بتواند منکر آن بشود بجهت این که این یک کاری است که راجع است بمعوم اهالی این مملکت و چنین امری زانی توان بیک مکان دیگر

اختصاص داد باید یک قانون کلی در تمام مملکت مجری بشود که طبیب در هر جاهست مسئول اعمال طبابت خودش باشد و باین جهت در این که قانون بطهران اختصاص داشته باشد موافقت ندارم .

ذکاء الملک - مخبر کمیسیون معارف متوجه می گنم خاطر آقایان را که این مسئله راجع بکلیات نمی شود بلکه راجع می شود باده اول که نوشته شده است که در تهران هیچکس حق طبابت ندارد مگر این که دیلم و تصدیق نامه داشته باشد و این در موفقی که در ماده اول مذاکره شود می توانیم در آن مذاکره بکنیم و چون آقایانیکه با کلیه این قانون مخالفتی ندارند گمان می کنم که این فرمایشات در این جا توقع نداشته باشد .

رئیس - عرض می کنم که مسئله شور در کلیات این جا درست معلوم شده است مثل بعضی ها کلیات را اساسی فرض میکنند و بنده چند مرتبه میخواستم عرض بکنم موقع بدست نیامده است ولی حالا این خوب موقعی است و وقتی که میگویند در کلیات مذاکره میشود معنیش این است که شخص وقتی ملاحظه میکند در یک قانونی یک ماده خلافی در آن می بیند میتواند بگوید العاقبه پیشنهاد بکند و آن مطلبی را که دارد در ضمن آن اظهار نماید و این را میشود گفت که جزء کلیات محسوب نمیشود چون اینجا همچو خیال میشود که وقتی که در کلیات حرف میزنند در اساس مطاب باید حرف زد و بنده اغلب دیده ام بعضی ها استعجاب کرده اند که در کلیات یک قانونی ملاحظاتی باشد بجهت اینکه کلیات را عبارت از اساس میباشد در صورتیکه ممکن است بعضی با اساس یک قانونی همراه باشند ولی بعضی مابقی را در آن به بیند که اگر بخواهند آن عیوبات را در مواد اظهار بکنند مجبور میشوند چندین مرتبه بیایند به مجلس نطق و مثلا بگویند همان عیبی را که گفته ام در ماده اول است در این ماده دوم هم آن عیب هست و هم چنین در مواد بعد هم ناچار است که این اظهار را بکند پس این قبیل ایرادات را در ضمن کلیات اظهار میکنند که مجبور نشوند در ماده بیایند آن اظهار را بکنند پس مقصود زحور در کلیات علاوه بر اساس اظهار این قبیل مطالب هم هست والا بنده تسکینم این است که اگر بعضی از موضوع خارج شد از او جلوگیری کنم و بهین جهت این ایراد را که آقایان لسان الحکماء کردند ملاحظه کردم دیدم راجع بکلیات است نه بعضی از مواد مسئله کلیات را هم حال اعراض کردم که بعد از این اسباب زحمت نشود حالا اگر آقایان مذاکره در کلیات را کافی میدانند داخل در شور مواد بشویم (گفتند مذاکرات کافی است) پس رای میگیریم آقایانی که شور در کلیات را کافی می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با کثرت تصویب شد - ماده اول خوانده میشود .

(ماده اول از پیشنهاد وزیر به عبارت ذیل خوانده شد) ماده یک - پس از اعلان و انتشار این قانون هیچکس حق طبابت در تهران ندارد مگر آن که بوزارت معارف دیلم خود را ارائه داده وزارت مزبور تصدیق کند که آن دیلم اعم از آنکه خارجه یا داخله باشد برای طبابت کردن سند کافی است فقط اطباء اروپائی مأمور سفارت خانه ها و مریض خانه ها از ارائه دادن دیلم معاف و مستثنی خواهند بود

وزارت معارف پس از ارائه دیلم تصدیق صحت و عدم صحت آنرا راجع بکمیسیون مخصوصی خواهد نمود و در موقعی که دیلم خارجه باشد طبیب سفارت آن دولتی که دیلم را اعطا کرده است حق حضور کمیسیون بجهت رسیدگی بآن را خواهد داشت پس از تعیین صحت هر دیلم وزارت جلیله معارف تصدیق نامه نخستین صادر و یکی را بدارنده آن می سپارد مشعر بر اینکه در طبابت کردن مجاز و آزاد است و نسخه دیگر در دفتر وزارت معارف ثبت و ضبط خواهد گردید گیرنده تصدیق نامه مزبوره مبلغ پنج تومان از این بابت بصدوق وزارت معارف باید کارسازی دارد . (کمیسیون اینطور پیشنهاد کرد: بود)

ماده اول - هیچکس در تهران حق طبابت ندارد مگر آنکه از وزارت معارف اجازه نامه طبابت گرفته و ثبت وزارت داخله رسانیده باشد .

بهجت - یادآور آقایان میشوم در موقعی که شور در قانون استخدام میشد عرض کردم که این یک سابقه خیلی بدی برای آتی ما خواهد شد برای اینکه هر قانونی را در تهران خوب ممکن است اجرا کرد ولی در ولایات البته یک اشکالاتی را پیش خواهد آورد و با بنواسطه می بینیم که در کلیات یا در مواد قوانینی که مجلس نباید برای سهولت می نویسیم که در طهران این قانون اجرا خواهد شد و در خارج همچو تصور می کنند که ما قوانین را منحصر برای تهران وضع می کنیم و این خیلی بد است بجهت اینکه ما نمیخواهیم بگوئیم که در ولایات یک قانونی برای طبابت لازم نیست یعنی هر کس مجاز است طبابت بکند و ولایتیکه فقط یک کتاب نسخه نویسی بدست آورد و بخواهد دیگر هیچ سر رشته از طبابت نداشته باشد و تحصیلاتی نگردد باشد این بجهت عرضه می کنم که هیچ ممکن نیست که یک قانونی را انحصار بیک نقطه داد فقط چیزی که خواهد ماند در موقعی اجرای او است و آنرا هم مکرر عرض کردم که ممکن است یک قانونی را الان وضع بکنیم و بعد بتدریج در نقاط اجرا شود لهذا بهتر این است که این لفظ تهران را از اینجا برداریم و نسبت بتمام ولایات از پایتخت و سایر شهرها عمومیت بدهیم .

حاجد کمر رضاخان - خیلی فرق است بین آرزو و قانون برای اینکه خیلی ممکن است که یک قانونی را ما برای طبابت متناوب بکنیم و تمام نقاط عمومیت بدهیم اما باید به بینیم که در موقع اجراء هم ممکن است اجراء بشود یا ممکن نیست آقایان ملاحظه میفرمایند که با این ترتیبی که در این جا نوشته شده است که طبیب تا دیلم نداشته باشد ممکن نیست طبابت بکند اگر بخواهند در ولایات رفتار بکنند باید اول یک مدرسه طبی تاسیس کرد که سالی صد نفر صدور بجهت نفر طبیب دیلمه از آن مدرسه بیرون بیاید تا اینکه ممکن باشد یک همچو ترتیبی معمول بشود والا ماهنوز چهار پنج شاگرد با دیلمی نمیتوانیم حاضر بکنیم که بعد از چهار پنجسال چند نفر طبیب دیلمه داشته باشیم الا در ولایات هیچ طبیب ندارد که مابینیم محدود بکنیم و بگوئیم اطباء باید دارای دیلم باشند و بنده گمان می کنم که اجرای این در تهران هم خیلی مشکل باشد تا چه رسد به ولایات از اینجهت تصور میکنم که

این فعلا برای تهران کافی است و برای سایر ولایات بعد از دو سال دیگر اگر محتاج بشویم قانون گذار هست و بعد ممکن است که این را توسعه داد که تمام ولایات شامل بشود .

انتظام الحکماء - اینجا میفرسند که هیچکس در تهران حق طبابت ندارد مگر آنکه از وزارت معارف اجازه نامه طبابت گرفته و به ثبت وزارت داخله رسانیده باشد . در سابق بهیچوجه من الوجوه همچو چیزی در طهران و همچنین در تمام ایران معمول نبوده و اغلب اطباء طهران دیلم ندارد در صورتی که سایرین دراز است طبابت می کنند و در این صورت تصور نمی کنم که این قانون در طهران هم برقرار بشود چه رسد بسایر ولایات .

ذکاء الملک - بین افراط و تفریط واقع شده ایم و الا انتقادات نفرموده اند آقای انتظام را که ما که درمواء بعد ترتیبیاتی داده شده است که تکلیف وجودشان باز از عدم بهتر است و اگر یک ترتیب بین بنی هم بخواهید اتخاذ بکنید آنها هم اسباب اشکال خواهد بود بجهت اینکه وزارت معارف شما امروز در تمام ولایات نماینده صحیح ندارد چطور خواهد توانست آن را اجرا کرد و در صد جلو گیری بر آید پس برای اینکه ما نمیتوانیم امروز یک قانون عمومی وضع بکنیم که در تمام نقاط مملکت اجرا بشود نباید در آنجا هائی که ممکن است اجرا بکنیم در وضع آن برای آنجا صرف نظر بکنیم و معوق بداریم و منتظر بشویم که اسباب اجرائی در تمام جاها فراهم بیاید برای اینکه قانون باید عمومیت داشته باشد .

بهجت - خیلی اشتباه می شود بین اجرا و وضع وضع هیچوقت ممکن نیست اختصاصی باشد یعنی پارلمانی که می خواهد واضح یک قانونی باشد نمی تواند قوانین را نسبت بیک نقطه وضع بکند این از خواص انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی است و گر هم فرض بکنیم که یک وقتی ممکن نباشد یک همچو قانونی وضع بکنیم از برای تمام ولایات و ایالات آنوقت باید حق وضع آنرا بدهیم بانجمن ها و اگر روح قانون را ملاحظه بکنید خواهید دید که قانون از حقوق مشترک است و حقوق مشترک ممکن نیست مختص بیک نقطه بشود بنده هیچوقت عرض نمی کنم که این قانون را که امروز ما وضع می کنیم باید در تمام ولایات و نقاط این مملکت مطابق همین دستور رفتار بشود قوانینی که در مجلس اول وضع شده است هنوز در اغلب بلاد ایران مجری نشده است پس باید در آن صورت یک تجدید نظری در آنها بکنیم و مقیدشان بکنیم بطهران یا آن ولایتی که در آنجا ها مجری شده است هیچوقت وضع قانون تابع اجرای آن نیست بلکه اول باید وضع بشود بعد اسباب تسهیل اجرای آنرا تدارک بکنند و این قانونی را که حالا ما میخواهیم وضع بکنیم که خصوصیاتی است که در عمل طبابت منظور می شود و واقعا جلو گیری است از آدم کشی هائی که تاحال معمول بوده است و اگر ما حق بدهیم بآنها که طبیبانند و تحصیلاتی نگردد اما که

بشود بتدریج مجری خواهد شد این را درست بنده ملتفت نمیشوم برای اینکه اگر شما که قانون وضع می کنید اجازه میدهید که فعلا فقط در طهران آنرا مجری بدارند و برای ولایات موقوف بماند تا وقتی که اسباب آن فراهم بیاید پس چه فرق میکند با اینکه در اینجا بنویسید که امروز در طهران اینکار را می کنیم و بعد هم در ولایات بهمین ترتیب یا بترتیب دیگری اجرا می کنیم این مسلم است که در ولایات اگر شما بخواهید امروز این اقدام را بکنید بهیچوجه امکان نخواهد داشت بجهت اینکه امروزه در ولایات شما بقدر کفایت این مملکت طبیبی که تحصیل کرده دارای دیلم باشد وجود ندارد اگر بخواهید یک همچو قانونی را وضع بکنید آنوقت تمام مرضای شما بی طبیب خواهند ماند و اینها که هستند اگر تحصیل صحیح نکرده باشند لابد تحصیل نامنص که کرده اند اگر هم تحصیلاتی نگردد باشند لابد در این مدت تجربیاتی حاصل کرده اند پس وجودشان باز از عدم بهتر است و اگر یک ترتیب بین بنی هم بخواهید اتخاذ بکنید آنها هم اسباب اشکال خواهد بود بجهت اینکه وزارت معارف شما امروز در تمام ولایات نماینده صحیح ندارد چطور خواهد توانست آن را اجرا کرد و در صد جلو گیری بر آید پس برای اینکه ما نمیتوانیم امروز یک قانون عمومی وضع بکنیم که در تمام نقاط مملکت اجرا بشود نباید در آنجا هائی که ممکن است اجرا بکنیم در وضع آن برای آنجا صرف نظر بکنیم و معوق بداریم و منتظر بشویم که اسباب اجرائی در تمام جاها فراهم بیاید برای اینکه قانون باید عمومیت داشته باشد .

بهجت - خیلی اشتباه می شود بین اجرا و وضع وضع هیچوقت ممکن نیست اختصاصی باشد یعنی پارلمانی که می خواهد واضح یک قانونی باشد نمی تواند قوانین را نسبت بیک نقطه وضع بکند این از خواص انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی است و گر هم فرض بکنیم که یک وقتی ممکن نباشد یک همچو قانونی وضع بکنیم از برای تمام ولایات و ایالات آنوقت باید حق وضع آنرا بدهیم بانجمن ها و اگر روح قانون را ملاحظه بکنید خواهید دید که قانون از حقوق مشترک است و حقوق مشترک ممکن نیست مختص بیک نقطه بشود بنده هیچوقت عرض نمی کنم که این قانون را که امروز ما وضع می کنیم باید در تمام ولایات و نقاط این مملکت مطابق همین دستور رفتار بشود قوانینی که در مجلس اول وضع شده است هنوز در اغلب بلاد ایران مجری نشده است پس باید در آن صورت یک تجدید نظری در آنها بکنیم و مقیدشان بکنیم بطهران یا آن ولایتی که در آنجا ها مجری شده است هیچوقت وضع قانون تابع اجرای آن نیست بلکه اول باید وضع بشود بعد اسباب تسهیل اجرای آنرا تدارک بکنند و این قانونی را که حالا ما میخواهیم وضع بکنیم که خصوصیاتی است که در عمل طبابت منظور می شود و واقعا جلو گیری است از آدم کشی هائی که تاحال معمول بوده است و اگر ما حق بدهیم بآنها که طبیبانند و تحصیلاتی نگردد اما که

طبابت بکنند اجازه آدم کشی داده ایم بدین است که همین قانون در تهران اجرا می شود بعد از فراهم شدن اسباب اجرای آن در خراسان و رشت و سایر جاهای ایران هم اجرا خواهد شد و هیچ احتمال نمی دهم که این قانونی را که ما وضع می کنیم نسبت بآنجاها یک تغییر و تبدیلی در آن بدهیم برای اینکه عرض کردم قانون از حقوق مشترک است ولی نسبت اجرائی بنقاط مملکت فرق می کند مثلا اگر وزارت مالیه خواسته باشد مریزی بکند اول از اطراف طهران شروع می کند برای اینکه بهر مرکز نزدیک است و سریع تر اجرا می شود ولی برای اینکه در سایر ولایات یک قدری صعوبت دارد نمیشود گفت که برای هر کدام یک لایحه علیحده پیشنهاد بکنند مثلا یکی برای مازندران یکی برای خراسان یکی برای رشت و همچنین نمی شود گفت که قانون آزاد است برای اینکه آرزوئی در امور میشود که بعد است از احساس و قانون از برای اموری است که احساس آن نزدیک است البته ما باید طبیب های خوب تربیت بکنیم و بفرستیم بسایر جاها ولی نداشتن یک همچو طبیب ها علت عدم تعمیم قانون نمیشود در صورتیکه این قانون از بعضی قوانین خیلی زودتر اجرا میشود مگر در بعضی از جاهائی که خیلی از مرکز دور باشد والا در آذربایجان بنده یقین دارم که بعد از چند ماه دیگر که ما این قانون را اعلان کردیم ممکن است اجرا بشود و اگر شما بخواهید بملاحظاتی این قانون را فقط برای تهران وضع بکنید مجرم کرده اید اغلب اهل این مملکت را از حقوق مشترک محروم کرده و همین طوری که در طهران دیده می شود در سایر جاها در هر شهری هستند دو نفر بیست نفر که طبابت را کسب خود فرار داده اند در صورتیکه تحصیلاتشان معلوم نیست چیست در صورتی در طهران میتوان گفت که دوست سعید نفر طبیب دارد و از میان آنها مثلا شصت نفر شایسته طبابت خواهند شد باین دلایلی که عرض کردم همانطوری که پیشنهاد هم کرده ام عرض می کنم که لفظ (طهران) از اینجا برداشته شود برای اینکه نباید بملاحظه عدم امکان اجرای آن در ولایات آنرا مقید بطهران بکنیم مثل اینکه قانون وزارت داخله که در مجلس سابق وضع شده است هنوز در غالبی از ولایات بلکه در خود تهران هم کاملا اجرا نشده است پس اینها را نیز باید در سبب قرارداد که حقوق مشترک را بیک جمعی اختصاص بدهیم و اگر یک همچو قانونی باید وضع بشود حق انجمنها است والا قانونی را که مجلس شورای ملی وضع میکند برای تمام مملکت است و نمیشود بیک جائی اختصاص داشته باشد

رئیس - کوبا مذاکرات کافی باشد اینهم شود اول است (گفتند کافی است) دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است یکی از آقای حاج شیخ رئیس که پیشنهاد کرده اند نوشته شود (در طهران و در تمام قلمرو ایران) و یکی هم از آقای بهجت که پیشنهاد کرده اند لفظ (طهران) حذف بشود چون هر دو یکی است یک مرتبه در آن رای می گیریم .

حاج شیخ رئیس - بنده یک مختصر توضیحی دارم اجازه می فرمائید؟

رئیس - فرمائید **حاج شیخ رئیس** - بنده این لایحه قانونیه را بهترین لوایح قانونیه می دانم که بمجلس شورای تقدیم شده است ولیکن برای اینکه بعضی از نمایندگان محترم اظهاری فرمودند لازم است توضیحی برای این پیشنهاد خودم خاطر نشان آقایان بکنم معلوم است که در شرافت علم طب همین قدر کفایت میکند که فرموده اند (العلماء علم الابدان و علم الابدان) و همین مقاله هم راجع آن شبهه را از خاطر های محترم می کنم که قانون ذیل هم در وضع و جعل یک مرتبه و عموما وضع شده است و برای جریان آن ملاحظه نقاط ولایات شده است و البته وقت و زمان انتشار هر قانونی معلوم است که در خارج مرکز زیاد است والا معین است که قانون را ما امروز نمی توانیم محدود بکنیم از برای اینکه در مازندران و در دست ایران شاید اسباب صعوبت باشد بنده این را هیچ نمی فهمم و صعوبتی در آن تصور نمی کنم مثلا قوانین ادیان ما یک مرتبه وضع شده است و معلوم است که بلاد دور تا نازرا باموزند و مسائل آنرا یاد بگیرند قدری طول کشیده است پس ما هم قانون را اینجا بطور کلی جعل می کنیم که کسانیکه مریض می شوند بدست اطباء عیسوی نه آدمی کش بیفتند دیگر مرکز را اختصاص دادن بنده این را خلاف قانون می دانم و اینکه گفته می شود طبیب در ایران کم است بنده خیلی افتخار و تشکر می کنم علم طبابت در ایران طوری ترقی کرده است که اگر بی ادبی نبود عرض می کردم که طبیب یعنی دکترهای خیلی عالم شفیق حاذق ما دیلم شاید در مرکز یعنی در تهران طوری زیاد است که اگر وزارت معارف صلاح بدانند آن ها را بسایر ولایات اعزام بکنند کافی باشد که در آنجا ها رضی بی طبیب نمایند و هم در این جا طبیب زائد بر مریض نباشد

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ رئیس خوانده می شود (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده اولی نوشته شود (در تهران و در تمام قلمرو ایران)

رئیس - پیشنهاد آقای بهجت هم خوانده می شود . **بهجت** - بنده پیش نهاد خود را مسترد می دارم .

رئیس - پس رای می گیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ رئیس آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد) پیشنهادی هم آقای انتظام الحکماء کرده اند ولی راجع است باده بعد در موقعی که در ماده دو مذاکره می شود خوانده خواهد شد حالا ماده دوم خوانده می شود **پیشنهاد وزیر ماده ۲** - در آتی فقط دیلم های ذیل رسماً شناخته شده و در صحت آنها تصدیق داده خواهد شد . **اولا** - دیلمهائیکه در مملکت ایران توسط مدارس طبیبه دولتی داده شده که آن مدارس بر

حسب اجازه دولت تصویب دارالشورای ملی ایجاد شده باشد .

ثانیاً - دیپلماتهای ممالک خارجه که دربار ایران نماینده رسمی دارند

پیشنهاد کمیسیون ماده ۲ - در آتیه استنادی که وزارت معارف آن را رسماً شناخته و صاحب آن اجازه نامه طبابت خواهد داد از این قرار است .

اولاً - تصدیق نامه ای که در مملکت ایران توسط مدارس طب دولتی داده می شود

ثانیاً - تصدیق نامه های طبیبی دولتی ممالک خارجه .

حاج شیخ اسدالله - اینجا می نویسد با اشخاصی تصدیق داده می شود مطابق این قانون که دارای تصدیق نامه باشند از مدارس طب دولتی بنده می خواستم عرض بکنم که فقط تصدیق مدرسه کفایت نمی کند بجهت این که طبیب يك عملیاتی لازم دارد که آن فوق علمیات است در مدارس طبی اینکه معمول است و بنده دبهام یعنی در مملکت خودمان شاید در خارجه غیر از این باشد در مدارس خودمان چیزی را که تحصیل میکنند فقط علمیات است و بقیه بنده یکی که داخل عملیات نشده است نمی توان باو اجازه در عملیات داد مگر اینکه مدتی پیش يك كتری داخل عملیات شده باشد و امتحانات صحیح داده باشد بعد از آنکه امتحانات صحیح داد و درست از امتحانات بیرون آمد تصدیقی از آن دکتور و مدرسه بگیرد که این دو تصدیق را ضمیمه هم کرده بوزارت معارف بدهد تا این که وزارت معارف باو اجازه بدهد و تصدیق نامه بگیرد این است که بنده این فقره را پیشنهاد میکنم که قید شود که دارای تصدیق نامه عملیات هم باشد.

معاون وزارت معارف - و علوم و فواید نامه این نکته که فرمودید خیلی نکته صحیحی است ولی نکته دیگری در این جا هست که شاید لازم است بنده عرض بکنم که این مطالب که فرمودید همه آنها در ضمن تحصیلات طبی مراعات شده است تحصیل طب فقط این نیست که طب را بخوانند دیگر دست به عملیات نزنند بلکه در پروگرامی که از برای تحصیل طبی نوشته شده است معین است که شاگرد طب در سال دوم با معلمین خودش در مریض خانه باید عملیات بکند یعنی در ضمن تحصیل علمی همه روز در مریضخانه با معلم خودش مقداری مشغول عملیات میشود و تحصیل عملیات هم میکند و وقتی که معین شد که شاگرد بعد از چهار پنج سال فارغ التحصیل می شود آن فراغت از حیث علم و عمل هر دو است و آن تصدیقی که باور داده میشود دارای علم و عمل هر دو است تا اینکه طرف دقت واقع شود و در ضمن تحصیل عملیات هم میشود .

دکتر امیرخان - بنده با راپورت کمیسیون مخالف و با پیشنهاد وزیر موافقم در اینجه که میگوید دیپلماتیک در مملکت ایران توسط مدارس طبی دولتی داده شده که آن مدارس بر حسب اجازه دولت و تصویب دارالشورای ملی ایجاد شده باشد این صحیح است مال کمیسیون هم تقریباً همین است ثانیاً

دیپلماتهای ممالک خارجه که در ایران نماینده رسمی دارند بنده این را بهتر میدانم از اینکه بنویسم تصدیق نامه ای طبی دولتی ممالک خارجه بجهت اینکه فرض بفرمائید که از صرب یا بلغار یا یکی از این ممالک کوچک چون آنها میداند که طبابت در ایران يك مسئولیتی ندارد و ممکن است در این صورت هر کس از خارجه بیاید طبیب هم نباشد بهمان اسم خارجه خود را طبیب معرفی بکند و شاید يك کاهندی هم در دست داشته باشد يك [سیرتیفیکاتی] هم در دست داشته باشد که در سایه او بخواهد اجرای طبابت بکند و چون او هم نماینده رسمی در اینجا ندارد پس ما چطور بدانیم که این طبیب هست یا نیست در آن ولایات تحصیلات طبی آنها چه جور شده است و آیا این تحصیلات را کرده است یا خیر پس اینکه در پیشنهاد وزیر نوشته شده است که دیپلماتهای ممالک خارجه که در دربار ایران نماینده رسمی دارند این بهتر است و بنده با این پیشنهاد وزیر موافقم هستم که در خصوص خارجه این کلمه باشد برای اینکه بعد چهار اشکالی نشویم .

ذکاء الملک - در این باب در کمیسیون خیلی مذاکره کردیم و بالاخره رای اعضای کمیسیون بر این شد که این فید چندان لزومی ندارد بجهت اینکه يك وقتی فرضاً این است که محدود و بکنیم عمل طبابت را با طبیبی داخله حتی الامکان مثل اینکه بعضی جاها می کنند و سایرین را ممانعت می کنند از اینکه در ممالک خودشان طبابت بکنند این يك ترتیب دیگر میخواهد و شاید مقتضی نباشد حالا که این کار را بکنیم بجهت اینکه سنوانست که اطبای خارجه طبابت می کنند در ایران کار خیلی مشکلی است که بخواهیم حالا جلو گیری بکنیم و شاید مصلحت ما هم - الا نیست که جلو گیری بکنیم بجهت اینکه ما هنوز آن اطبای حاذقی که باید داشته باشیم که بقدر کفایت مثل اطبای فرنگی کار بکنند و وجودشان فرایده داشته باشد نداریم یعنی کم داریم و باز هم محتاجیم که اطبائی از خارجه بیآوریم و اما اینکه نمی توانیم نظر بآن مسئله داشته باشیم که طبابت را بخواهیم منحصر به طبیب های داخله بکنیم وقتی که نظر باین مسئله نداشته باشیم و بخواهیم يك حدی برای این کار معین کنیم یعنی از برای اطبای خارجه آنوقت ناچاریم که يك حدی از برایشان معین کنیم مثلا این حدی که معین شده بود در لایحه وزیر در خصوص اطبای خارجه که کسانی باشند که نماینده دولتی در آنجا داشته باشند اگر يك لحاظ این خوب بود که آقای دکتور امیرخان فرمودند ولی نظر به بعضی ملاحظات دیگر هم دیدم ممکن است اسباب اشکال بشود مثلا دولت سويس در اینجا نماینده رسمی ندارد ولی دولت سويس يك دولتی است که اطبای آن در آنجا تحصیل کرده اند تقریباً مثل اطبای فرانسه و انگلیس و آلمان خوب هستند و اگر بخواهند بیایند این جا طبابت نمایند و در صورتی که ما اطبای فرانسوی و آلمانی و انگلیسی داشته باشیم و اجازه بدهیم که طبابت بکنند چه دلیل دارد سويس را اجازه

ندیم و ملاحظه کردیم دیدیم که سويس يك مملکتی نیست که مدرسه صحیحی نداشته باشد و تصدیقی که می دهند آن طبیبی بد باشد و طبابت کردنش در ایران مضر باشد باین ملاحظات گفتیم که حالا خوب است این را مقید بکنیم اطبای خارجه را تا وقتی که اگر هم بخواهیم این کار را بکنیم وقتی باشد که اطبای داخله بقدری داشته باشیم که از وجود آن ها مستغنی باشیم و شاید هم هیچ وقت مقید نکنیم و وقتی هم که مقید بکنیم باید وقتی باشد که اطبای تحصیل کرده بقدر کفایت داشته باشیم و محدود کردن اطبای خارجه چندان ضرری برای ما نداشته باشد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد و [تصدیق کردند] اصلاحی آقای هشترودی پیشنهاد کرده اند خوانده می شود (باین عبارت خوانده شد) .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد و زیاد شود که تصدیق عملی علاوه بر علمی از همان مدرسه ها داشته باشند .

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .

هشترودی - بنده دیگر خواستم زیادی حرف بزنم آقای معاون فرمودند که در پروگرام خواهد بود بنده خواستم که در جزء قانون هم باشد .

ذکاء الملک - تصدیق عملی که میفرمائید اصلاً موضوعیت ندارد بجهت اینکه در مدرسه دولتی همین طوری که معمول است و بعد از این هم بیشتر خواهد شد تصدیق را طبیب نمی دهد بکسی که عملیات ندارد یعنی همچو نیست که در مدرسه دولتی يك معلمی باشد کتاب را بگذارد جلوی خودش و مطالعه بکند و از روی آن درس بگوید و معلمین تحصیل بکنند و وقتی که يك دوره طب را تمام کرد بروند پیش طبیب دیگر عملیات بکنند و عمل را بیاموزند این طور نیست ولی باید متعلم طب در همین اینکه تحصیل طب می کند عمل هم بکند و اگر غیر از این باشد یعنی بدانند که شاگرد علم طب را دارد و عملیات بقدر لازم ندارد باو تصدیق نمی دهند که باو بشود گفت طبیب همین جهت است که مدارس طبی با در خود مدرسه مریضخانه دارد که متعلم را عملیات طبی تعلیم می کنند یا این که اگر خودشان مریضخانه ندارند با يك مریض خانه ارتباط دارند و عملیات را در آنجا می کنند و گمان می کنم که لازم نباشد و این يك خلاف ترتیبی است که در قانون می نویسیم که تصدیق علمی و عملی حالا باین قبهم مخالفت نمی کنیم می خواهد بنویسد بنویسد ولی يك قید زانی است .

هشترودی - بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم .

حاج شیخ اسدالله - بنده اختیار می کنم .

رئیس - رای می گیریم باین اصلاحی که پیشنهاد شده است آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند (رشد) حالا یک ربع ساعت تنفس است . (مجدداً يك ساعت و ده دقیقه قبل از غروب جلسه)

تشکیل شد (ماده الحاقیه کمیسیون قرائت شد بعبارت ذیل .

ماده سیم - گیرنده اجازه نامه طبابت مبلغ پنج تومان بصندوق وزارت معارف باید کارسازی نماید

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

پیشنهاد وزیر - ماده ۳ - اشخاصی که قبل از وضع این قانون در تهران یا بدین آن مشغول عمل طبابت بوده اند بشرط ذیل مجاز خواهند بود که مداومت در شغل خود بنمایند .

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۴ - اشخاصی که هیچ يك تصدیق نامه های مذکور در ماده دوم این قانون ندارند و در تاریخ نشر این قانون از پنج سال کمتر در طهران مشغول طبابت بوده اجازه نامه طبابت بآنها داده نمی شود و از مداومت بشغل مزبور ممنوع خواهند بود .

آقا محمد پروچردی - بنده اساساً با این قانون موافق هستم که آدم کشی با کمال نرمی کم شود .

رئیس - مذاکره در اساس نیست در ماده چهارم است .

آقا محمد - در این ماده چهارم عرض میکنم از لفظ مداومت بشغل مزبور ممنوع خواهند بود چنین برمی آید که می تواند اشتغال پیدا بکند ولی نه بطریق مداومت و بنده با این مخالفم باید بهر طریق ممنوع باشد چه بمداومت چه بغير مداومت

حاج شیخ اسدالله - اینجا می نویسد اشخاصی که کمتر از پنج سال مشغول شغل طبابت بوده اند از شغل طبابت ممنوع خواهند بود بقیه بنده صحیح نیست برای اینکه چه بسا اشخاصیکه ده سالست طبابت کرده اند حق طبابت ندارند باید آنها را منع کرد و بسا اشخاصیکه پنج سال هم کمتر طبابت کرده اند بعد از آنکه امتحان کردند امتحان هم می دهند و از امتحان هم صحیح بیرون می آیند آنها حق طبابت هم دارند پس اینکه می نویسندهر گاه از پنج سال کمتر مشغول طبابت باشند از شغل طبابت بکلی ممنوع خواهند بود صحیح نیست .

ذکاء الملک - آقای حاج شیخ اسدالله توجه فرموده اند در این قانون اشخاصی که پنج سال کمتر طبابت کرده اند هیچيك از تصدیق نامه های سابق الذکر را هم ندارند حاضر هم نمی شوند که بیایند امتحان بدهند چنانچه در ماده بعد هست همچو اشخاصی را چطور می توانیم بگنوییم و اجازه بدهیم که طبابت بکنند یا باید بطور تمادی طبابت کرده باشند که در ضمن عمل يك چیزی یاد گرفته باشند یا باید پیش يك طبیبی يك مریضخانه يك مدرسه تحصیل کرده باشد که بتواند بقدری تحصیل خودش را تکمیل بکند و بیاید امتحان بدهد اینها در این مورد تصریح شده است دیگر چه ایرادی است و در این صورت چه مخالفت میکنند .

لسان الحکماء - ماده چهارم يك قدری از مواصات و مساوات دور افتاده اگر آنکسانی را که مباشرت در عمل طبابت دارند تقدیس و تصدیق

می کنند و مصحح عمل طبابت می دانید چه فرق میکند خاک طهران با خاک آذربایجان اینجا می نویسد اشخاصی که هیچيك از تصدیق نامه های مذکور در ماده دوم این قانون ندارند و در تاریخ نشر این قانون از پنج سال کمتر در تهران مشغول طبابت بوده اجازه نامه طبابت بآنها داده نمی شود بنده نمی دانم که اگر این مدت مباشرت عمل تقدیس می شود چه فرق میکند خاک تهران با جا های دیگر و چه فرق دارد خاک طهران و سایر نقاط پس این مدت مباشرت عمل که تقدیس شد در هر کجا که مداومت عمل کرده باشد یکسان است .

دکتر علیخان - این ایرادیکه شاهزاده لسان الحکماء کردند هیچ وارد نیست برای اینکه این قانون را همانطور که ملاحظه فرمودید فقط عموماً برای تهران نوشته است و اینک قید کردیم اگر از پنج سال کمتر مشغول طبابت هستند باید امتحان بدهند برای این است که اینها در تهران بوده اند و اسباب تحصیل برای آنها ممکن بوده و غفلت کرده اند و درست مشغول طبابت نشده اند باین جهت قید شد که آن اشخاصی که در طهران کمتر از پنج سال مشغول طبابت هستند از طبابت ممنوع باشند باین جهت اینرا نوشتیم که برای اینها اسباب تحصیل فراهم بوده و در سایر ولایات هنوز مدارس هست هنوز آنها نتوانسته اند تحصیل کرده باشند باین جهت آنها را ننوشتیم و عرض دیگری هم میخواستم بکنم و آن این بود که این راپورت بطور صحیح نوشته نشده است یعنی ننوشتیم که فلان ماده از لایحه وزیر مطابق فلان ماده از پیشنهاد کمیسیون است و کدام ماده را کمیسیون رد کرده است برای اینکه نظر کمیسیون بر این بوده که خود وزیر راپورت کمیسیون را قبول می کند و حالا اگر بخواهیم باین ترتیب یک ماده از لایحه وزیر یک ماده از پیشنهاد کمیسیون بخواهیم اسباب اشکال میشود بجهت اینکه هیچيك از مواد مطابقت با یکدیگر ندارند و حالا بنده لازم دانستم عرض بکنم که اگر آقای معاون وزارت معارف و علوم میل دارند قبول دارند راپورت کمیسیون را همین جا اظهار بفرمائید که درست در راپورت کمیسیون مذاکره شود

رئیس - اگر معاون وزیر لایحه خودشان را مسترد میدانند آنوقت میتوانیم در راپورت کمیسیون مذاکره بکنیم

معاون وزارت علوم و معارف - بنده عرض میکنم که این دو لایحه تحقیقاً یکی است یعنی شاید در عبارت تعبیری داشته باشد ولی بحسب معنی یک است و شاید راپورتیکه در کمیسیون نوشته شده است عبارتش واضح تر است باین جهت است که بنده هم تقاضا میکنم که همین موضوع مذاکره باشد .

رئیس - پس شما لایحه خودتان را مسترد می دارید و راپورت کمیسیون را قبول میکنید .

معاون - بله آنرا مسترد میدانم و این را قبول میکنم .

دکتر حیدر میرزا - بنده عرض میکنم باید لفظ طهران نوشته شود بجهت اینکه کیفیت طبابت غیر از کیفیت سایر قانون های معمولی است اولاً شرایط امتحان چنانچه در این جا ذکر شد در سایر ولایات معمول نیست یعنی ممکن نیست و حاضر و مهبیا آمده نیست

و اگر لفظ طهران را ننوشتیم در ولایات تولید زحمت و فتنه میکند بجهت اینکه این قانون که وضع می شود البته منتشر خواهد شد در ولایات اسباب زحمت خواهد شد بالفرض يك رعیتی در يك جایی بيك طبیبی که در آن محل است رجوع کرده و بعد بنظرش آمده است که این طبیب بکرمته می او رسانده آنوقت از برای آن طبیب و کس و کاران اسباب زحمت فراهم میآورند که شما طبیب نیستید برای اینکه تصدیق نامه ندارید بيك زحمتی مردم بواسطه عدم اطلاع از برای طبیب های محلی وارد میآورند در صورتیکه حالاً همان ترتیب مشغولند و عمل میکنند و اگر لفظ طهران را برای آنوقت اسباب زحمت برای اطبای اطراف فراهم خواهد شد و يك زحمت بزرگی تولید خواهد شد بعد از اینکه ترتیب طهران منظم شد آنوقت البته بتدریج در سایر ولایات هم شرايطش فراهم تهیه میکنند که اطبای سایر ولایات هم باین ترتیب نائل شوند و این قبیل زحمت ها هم تولید نشود .

رئیس - گویا مذاکرات در این ماده کافی باشد دو فقره اصلاح از طرف آقای لسان الحکماء و آقای معاضد الملک پیشنهاد شده است و تقریباً هر دو راجع بیک مسئله است که این مسئله برای تمام مملکت عمومیت داشته باشد هر دو خوانده میشود بعد در قابل توجه بودنش رای میگیریم (پیشنهاد شاهزاده لسان الحکماء بعبارت ذیل خواند شد)

اصلاح در ماده چهارم - عوض در تهران در ایران نوشته شود (لسان الحکماء)

(پیشنهاد معاضد الملک بعبارت ذیل خوانده شد) بنده تقاضا میکنم جمله آخر ماده ۴ کمیسیون اینطور نوشته شود - از دخالت بشغل طب در تهران و سایر ممالک محروسه ممنوع خواهد بود .

معاضد الملک - پیشنهاد بنده با پیشنهاد آقای لسان الحکماء موافق نیست مقصود بنده این است که آهائی که در طهران لایق طبابت نیستند نروند در سایر ولایات مشغول طبابت شوند از برای اینکه جلوگیری از این بشود پیشنهاد کردم که اشخاصی که در طهران لایق طبابت نیستند حق ندارند بروند در سایر ولایات طبابت نمایند .

معاون وزارت معارف و علوم - از اینکه لفظ طهران قید شده است دوسه ملاحظه در نظر بوده است و نظر عمده این است بوده است که اگر از برای تحصیل طب و حاضر شدن برای آن اگر اسبابی بوده است باز در طهران هست اگر اسباب تحصیل طب در طهران است اگر ما بخواهیم این را تعمیم بدهیم تمام نقاط اقلاً اسباب این امتحانات و سایر ترتیبیاتی در اینجا ها نیست و البته این نتیجه اش بعد بسا ایرادها منتشر خواهد شد و ثانیاً مقصود این است که اطبای طهران بجاهای دیگر منتشر شوند و اطبائییکه مثلا در قزوین طبابت می کنند نیایند در طهران طبابت بکنند در صورتی که اطباء از تهران بجاهای دیگر باید منتشر شوند و اینکه این را تعمیم بدهیم که در سایر ولایات هم معمول شود این چیزی است که هیچ موضوعیت ندارد این امتحانات و مجالی تحقیق ممکن نیست در سایر جاها قبری تهیه شود مگر اینکه از داخل شروع کنیم و کم کم از این جا آن شرايط طبابت را

تجهیل کنند و از این جا منتشر شوند بجهای دیگر رئیس — رای میگیریم در قابل توجه بودن اصلاحیه آقای معاضد الملک پیشنهاد کرده اند آقایانیکه قابل توجه می دانند این اصلاح را قیام نمایند (قابل توجه نشد) اصلاح شاهزاده لسان العکما را بخوائید .

(مجدداً اصلاح ایشان قرائت شد)

رئیس — رای میگیریم در این اصلاح آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد) اصلاحی آقای آقا محمد بروجردی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود (بجارت ذیل خوانده شد) - بنده در جزه اخیر ماده چهارم پیشنهاد می کنم بجای از مداومت بشغل مزبور ممنوع خواهد بود نوشته شود ازدخالت بشغل مزبور الی آخر .

ذکاءالملک — رای گرفتن لازم نیست این را قبول داریم در کمیسیون اصلاح میشود .

رئیس - آقای مخبر پیشنهاد شما را قبول میکنند پیشنهادی شاهزاده محمد هاشم میرزا کرده اند خوانده میشود (باین عبارت خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود در ماده چهارم کسانیکه در تهران یا نقاط دیگر مدت پنجسال مشغول طبابت بوده در تمام نقاط میتوانند مشغول طبابت باشند .

محمد هاشم میرزا - آنچه بنظر بنده میرسد لایرادی که شاهزاده لسان العکما کردند جواب داده نشد بجهت اینکه فرمودند این نوشته شده است اطبائیکه پنجسال طبابت کرده اند مجازند طبابت کنند و اختصاص داده اند بتهران و حال آنکه طهران هیچ اختصاص ندارد اگر در پنجسال تجربه کایت چه در تهران چه در آذربایجان در هر دو کفایت بجهت این که همانطوریکه طبیب میتوانند در تهران در پنج سال تجربه حاصل کنند همانطور در آذربایجان هم می تواند تجربه حاصل کند و چون پیشنهاد شاهزاده لسان قدری مبهم بود بنده پیشنهاد کردم که هر کس پنجسال طبابت کرد چه در تهران چه در سایر نقاط تفاوت نداشته باشد .

ذکاءالملک — چرا تفاوت دارد فرض

بفرمائید يك کسی که در يك بابی طبابت میکنند و لو درس هم هیچ خوانده باشد این طبابت میکنند در مدت پنجسال با يك کسیکه در طهران پنجسال طبابت کرده است تصور میکنید که این دو نفر اطلاعشان یکبست یا تصدیق می فرمائید که این که بصیرتشان يك اندازه است راست است که این شخص درس نخوانده است و دیدیم ندارد و یا چه اشخاص معشور است افلاطابای عالم دیده است سر مریشان که می رود با اطباء مذاکره میکنند و مذاکرات آنها رامی شنود و روزنامهجات را هم میخوانند کتاب ممکن است خوانده باشد اما يك کسیکه در ده بزرگ شده و فقط طبابت کرده است ممکن است که کتاب هیچ نخوانده باشد ممکن است هیچ سواد نداشته باشد چطور ما اجازه بدهیم که او بیاید از فلان ده در طهران طبابت بکند این را باید فرق گذارد بین اشخاصیکه در يك بله معظمی شهری که تمدن دارد و در اینجا بزرگ شده اند ولو درس نخوانده باشد باشناختی که در جاهائی که خالی از علم و تمدن است بزرگ شده اند

و گاهی از اوقات میشود اشخاصی که در شهر بوده اند و درس نخوانده اند عالم تر میشوند از اشخاصی که در ده درس خوانده اند . محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم . (پیشنهادی از انتظام الحکماء بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم هر طبیبی که در تهران کمتر از ده سال مشغول طبابت باشد و محکمه باز کرد حق طبابت ندارد مگر آنکه از وزارت معارف اجازه نامه طبابت گرفته و به ثبت وزارت داخله رسانیده باشد

انتظام الحکماء - بنده فیدکرده ام بنده سال آتوم در تهران و کسیکه در تهران ده سال محکمه داشته باشد و طبابت کرده باشد در حقیقت خودش يك امتحان صحیحی است بواسطه این که معاشرت کرده است و امتحانات کرده است گذشته از این همین که در طهران مشغول طبابت بوده است لابد در مریشخانهها در مدرسه مادر دواخانه ها با اطبای بزرگ مجالست کرده باشد این خودش يك امتحان صحیحی است ولی اگر کمتر باشد مدت طبابت او طبابت نمی تواند بگردد و منوع است از طبابت کردن

رئیس - رای میگیریم با اصلاحی که آقای انتظام الحکماء پیشنهاد کرده اند آقایانیکه قابل توجه می دانند این اصلاح را قیام نمایند (قابل توجه نشد) ماده پنجم را بخوائید (باین عبارت خوانده شد) پیشنهاد کمیسیون ماده (ه) اشخاصیکه دارای هیچیک از تصدیق نامهای مذکور در ماده دوم این قانون نیستند و پیش از پنجسال کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند اجازه نامه طبابت می توانند بگیرند مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انتضاء مدت سه سال حاضر شوند که در کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده هشتم این قانون دروزارت معارف منعقد میشود امتحان دهند یا آنکه تا مدت چهار ماه یکی از اسناد ذیل بوزارت معارف ارائه دهند اولاً - تصدیق تحصیل و تلمذ در مطب یکی از اطبای معروف ایرانی مشروط بر اینکه در آن تصدیق نامه ذکر شده باشد که دارنده آن لااقل پنجسال بالاستمرار از تلامذ او بوده است .

ثانیاً - تصدیق نامه اطبای مریشخانه دولتی و امریکائی - توضیح - تصدیق نامهای مذکور فقط چهار ماه بعد از نشر این قانون اعتبار خواهد داشت و وزارت معارف بر طبق این اجازه نامه طبابت خواهد داد بعد از انتضاء آن مدت آن تصدیق نامه از اعتبار خواهد افتاد و فقط اسناد مذکور در ماده دوم این قانون برای تحصیل اجازه نامه طبابت معتبر خواهد بود .

لسان الحکماء - بنده چون در آنماده درست عرایض خودم را شاید ادا نکرده باشم مجبور شدم که عرض خودم را در این ماده چون مناسبی دارد تکرار کنم صحیح فرمودند آقای مخبر که نمیشود کسیکه در طهران طبابت کرده است مقایسه کرد بکسی که در يك دهی طبابت کرده است و لکن خیلی اختلاف بزرگ است ابکاش بکسی که پنجسال در يك دهی مباشرت بطلب داشته بآن اجازه طبابت بدهند بجهت اینکه در آن ادویه که او تجربه کرده است هیچ ضرورتی نیست ولیکن کسی که در تهران

پنجسال طبابت کرده است بعضی تجربه پنج سال نمیشود اجازه داد بجهت اینکه کسیکه تجربه و ترکیب شیمیائی ادویه فرنگی ها را نداند خیلی نزدیک تر است بخطر و خطری تر است از آنکسی که پنجسال درده طبابت کرده است و دیگر آنکه در این ماده که میگوید کسی که بیشتر از پنج سال طبابت کرده است او را اجازه می دهند که چندسال دیگر طبابت بکنند و بعد تصدیق بگیرد اما کسی که در آذربایجان یا در شیراز مباشرت این عمل را کرده است چهار سال در آذربایجان چهار سال در سبزواری سه سال هم در تهران آنوقت شما آمده اید میگوید باید پنجسال در تهران عمل کرده باشد و این صحیح نیست یعنی اگر شما آمده اید پنجسال را تصدیق کرده اید دیگر چرا امتحانرا مدخلیت می دهید مباشرت عمل شش سال یا پنجسال یا دوسال در تمام نقاط یکسان است و اگر ما تصدیق میکنیم مدت عمل و مباشرت عمل را آنوقت من ترجیح میدهم آن کسی را که در ده سال مباشرت بطلب داشته بجهت اینکه او بنده سه را استعمال میکند که ضروری بر او مترتب نیست و اینکه در شهر مباشرت داشته داخل در ادویه میشود که اگر تجربه و ترکیب او را نداند فوری میکشد او را و باز تقاضا میکنم و استدعا میکنم که قدری تأمل و توجه بفرمائید باین پیشنهادی که بنده میکنم که بخصوص در این ماده در آن ماده چندان اهمیتی نداشت در این ماده بخصوص نوشته شود که در طهران را در ایران بنویسند

ذکاءالملک - بنده اصراری نمیخواهم بکنم فقط متوجه میکنم خاطر آقای لسان العکماء را اینکه حافظ اعتبار در طبابت را ده سال تادمسال را اجازه داده ام که بعد باید امتحان بدهد و اینکه فرموده اند این ادویه سمیه شاید اسمش بگوش آن شخص که درده طبابت می کند نخورده باشد و باین واسطه شاید که نتواند يك ضرر فوق العاده رساند و کسانیکه در طهران يك چند مدتی طبابت کرده اند بسا هست که اسم ادویه را یاد بگیرند و شیمی و تجزیه و ترکیب دواها را نمایند آنوقت ممکن است ترکیبات غلط بکنند و نسخه های غلط بدهند و ممکن است آن خطاها اسباب خطر باشد این خیلی صحیح است و در سایر شهرها شاید از این ادویه سمیه شاید بگوشان هم نخورده است این را تصدیق میکنم در صورتیکه این اشخاصی که تحصیل طب نکرده اند اهم از اینک ده سال یا بیست سال باشد تصدیق میکنم این را در صورتیکه ما فقط يك مدت طبابت را مجوز طبابت قرار بدهیم چون باید يك مدتی هم طبابت کرده باشد و تجربه پیدا کرده باشد بعد هم بیاید امتحان بدهد و تجربیات بدهد و همین جبه خطرانی که فرمودند احتمال دارد دفع شود و اشخاصی را که تحصیل صحیح نکرده اند اگر میتوانستیم بکلی این قبیل اشخاص را ممنوع میکردیم و اجازه نمیدادیم ولو سی سال هم طبابت کرده باشند این بهتر بود لکن نمیشود بجهت اینکه هم مردم بآنها رجوع می کردند هم يك وثوقی بآنها پیدا میکردند و هم خود آنها مدعی است مشغولند مانعی توانیم آنها را مانع شویم بجهت اینکه شاید آنها هم نتوانند حالا ترك این کار را بکنند و تا یکدرجه مجبوریم والا اگر می توانستیم

این قبیل اشخاص را یکمرتبه ممنوع میکردیم و اجازه نمیدادیم این بهتر بود لکن نمیشود همین اندازه هم اسباب میشود که این شخص برود يك قدری از علم طبریا به بیاید تا اینکه در آن مجلس امتحان او را قبول کنند باین جهت است که ده سال را قید کردیم که اطبائیکه ده سال طبابت کرده اند بعد هم بیایند امتحان بدهند .

حاج شیخ اسدالله - بنده بنا این قانون پنجسال چنانچه عرض کردم مخالف هستم و این ماده را هم دیده بودم که آن عرایض خودم را در ماده قبل عرض کردم بعد از آنکه بيك ترتیب صحیحی اینها را امتحان بکنند آنوقت مقید می کنند باینکه باید پنجسال زیادترب طبابت کرده باشند اگر پنجسال کمتر طبابت کرده باشند چهار سال طبابت کرده باشند در صورتیکه پنزده سال علم طب تحصیل کرده باشد اجازه هم از معلم خودش داشته باشد و آن معلم هم از اطبای معروف طهران باشد و چهار سال هم عملیات را کامل کرده باشد امتحان صحیح هم بدهد چون پنج سال طبابت نکرده است نباید اجازه طبابت بخواه داده شود بنده قیید این پنج سال را نمی دانم که برای چه مقید کرده اند نباید کمتر باشد همین عرضی که کردم که باید بعد از اینک تحصیل خودشان را کرد از مدرسه بیرون آمد باید امتحان بدهد در هیئت متعنه و عملیاتش را هم که تکمیل کرده است همان مقدار کافی است و دیگر لازم بتقید پنجسال نیست .

ذکاءالملک - بنده همین قدر متوجه میکنم خاطر آقای حاج شیخ اسدالله را باینکه خوب مطالعه فرموده اند برای اینکه ملتفت نشده اند مقصود ماده را .

رئیس - مذاکرات کافی است يك اصلاحی شاهزاده لسان العکماء کرده اند که در ماده پنجم عوض لفظ طهران در ایران نوشته شود .

لسان الحکماء - توضیح دارم در این اصلاح

رئیس - در ضمن نطق خودتان توضیح دادید دیگر دو مرتبه توضیح داده نمی شود . حالا رای میگیریم باین اصلاح آقای لسان - العکماء آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) . ماده ششم را بخوائید (بجارت ذیل خوانده شد) ماده ۶ - اشخاصی که بیش از ده سال در طهران استمراراً مشغول طبابت بوده اند بهر حال حق دارند اجازه نامه طبابت بگیرند .

آقا شیخ اسدالله - اینجا می نویسد که هر کس ده سال طبابت کرده باشد میتواند اجازه حاصل کند دیگر نمی نویسد آن شخص که طبابت کرده است دارای چه معلوماتی بوده باشد ممکن است بیست سال یا سی سال طبابت کرده باشد حالا برای اینکه ده سال طبابت کرده است باز هم مشغول طبابت باشد بنده اصلاً تجویز نمی کنم .

معاون وزارت معارف - آقا آقای شیخ اسدالله گویا مقصود جنابعالی این است که بموجب این قانون یکمرتبه در طب مطب همه را بیاید و آنها را از کار طبابت

مانع گردید این نکته را باید ملتفت باشید که هر قانونی که وضع میشود فوراً نمیشود آنها را بکنند از سابق بودند تمام را موقوف کنند و آنها را بگویند از حالا نباشد يك ترتیب تازه ایجاد بکنند چنانچه خوانده شد ما سه درجه قراردادیم اشخاصی که کمتر از پنجسال و اشخاصی که بیشتر از پنجسال و اشخاصی که بیشتر از ده سال طبابت کرده باشند اینها هر کدام ترتیبی دارد و اشخاصی که بیشتر از ده سال طبابت کرده اند لابد اینها دیگر در هر صورت تجربیاتی و معلوماتی تحصیل کرده اند که بتوانند خودشان و مرضی شان را از آب بکشند دیگر نمیشود اول آنها را مانع شود مرضی را هم ممانعت کرد و يك کارهائی که بشود آنها را مجبور بانها کرد لابد يك سنی از آنها گذشته و یکوقتی را گذرانیده اند و نمیشود آنها را مجبور کرد بکار دیگر فقط از دوسال بیاتین را حدودی بر ایشان معین کردیم یعنی به طبابت مداومت کرده باشند و بسایک شرط معلوماتی که باید داشته باشند و از دوسال باین طرف را دیگر نمی شود يك شرطی برای اوقرار گذاشت .

حاج شیخ اسدالله - اگر چه بنده با آن ماده ۶ مخالف بودم ولی این ترتیبی که نوشته است راجع ب ماده هیچ صحیح است که این اشخاص باید باشند که اطباء در ظرف این چهار ماه بروند خودشان را آنجا معرفی بکنند اما نسبت به ماده ۶ هیچ شرط و امتحانی قرار نداده است همین قدر می نویسد که باید ده سال طبابت کرده باشد و این که این هیئت معین بکنند دوازده سال اینجا طبابت کرده است این را باید خود وزارت معارف معین بکنند که این ده سال طبابت کرده است یا خیر نسبت ب ماده شش این هیئت لازم نیست .

حاج آقا - اگر چه مذاکره در این راپورت و مواد راجع با آقایان اطباء است ولی بنده در این ماده متعجبم که همه ساکت هستند و هیچ نمی گویند آن مطالبی که در آن مواد گفته شد و گذشت تا يك اندازه صحیح است بجهت اینکه ممکن است ضرورت اقتضاء بکند که در يك مرفعی مایک همچو ترتیبی داشته باشیم ولی این ماده بهیچوجه ضرورت دارد که ما بحکم ضرورت تصدیق کنیم این ماده را نه اینکه دلیل منطقی دارد چه بسا از طبیب هائیکه ده سال سهل است خیلی بیشتر مشغول طب بوده اند چون پدرشان مشغول طب بوده آنها هم مشغول بوده اند و آدم کشی کرده اند و هنوز يك جمعی که نمی شناسند میروند پیش آنها این هیچ دلیل نمیشود که چون این ده سال طبیب بوده و عمل کرده است و بریک کوچه نشسته است این يك مقدار عملیات و تجربه حاصل کرده باشد کسی که هیچ ماهه در يك مطلبی نداشته باشد اگر هم چندین سال در آن مطلب اقدام بکند هیچ نتیجه صحیحی نمیکرد لابد باید يك پایه و مایه داشته باشد در این کار پس بنده گمان میکنم که همان شرطی را که کردند در تحصیل مقدمات از مواد سابق همان کافی باشد با آن شرطی که در آن مواد اولیه کرده اند باینکه این ماده را حذف بکنند که هر کس ده سال طبابت کرده است حکماً باو اجازه بدهند اگر امتحان داد و واقفاً دیدند يك ماهه دارد که میتوان با امتحانات خودش يك تصدیق نامه باو داد که تصدیق باو می دهند دیگر لزوم باین ماده ندارد و این ماده را باید حذف کرد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد . ماده هفتم قرائت میشود . ماده ۷ - برای اینکه اشخاص مذکور در ماده پنجم و ششم این قانون بوزارت معارف معرفی شده اجازه نامه طبابت بگیرند از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهار ماه کمیسینی دروزارت معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور می توانند خودشان

را بآن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود از یک نفر از معلمان طب مدرسه دارالفنون ثانیاً از یک نفر اطبای مریض خانه دولت ثالثاً از یک نفر از اطبای معروف ایرانی آمریکائی را باین کمیسیون وزارت معارف که یکی از آنها رئیس کمیسیون خواهد بود اشخاص مزبور را وزیر معارف تعیین خواهد نمود .

حاج شیخ اسدالله - اگر چه بنده با آن ماده ۶ مخالف بودم ولی این ترتیبی که نوشته است راجع ب ماده هیچ صحیح است که این اشخاص باید باشند که اطباء در ظرف این چهار ماه بروند خودشان را آنجا معرفی بکنند اما نسبت به ماده ۶ هیچ شرط و امتحانی قرار نداده است همین قدر می نویسد که باید ده سال طبابت کرده باشد و این که این هیئت معین بکنند دوازده سال اینجا طبابت کرده است این را باید خود وزارت معارف معین بکنند که این ده سال طبابت کرده است یا خیر نسبت ب ماده شش این هیئت لازم نیست .

دکتر علیخان - اینجا که فرمودند این کمیسیون لازم نیست لازم است برای اینکه این کمیسیون فقط برای این نیست که ببیند که این شخص ده سال طبابت کرده است یا خیر این کمیسیون برای اینست که تصدیق کند و آن اجازه نامه که معین شده است وزارت معارف بدهد و آنرا کمیسیون خواهد داد باین جهت است که این اعضایی که در این کمیسیون معین شده است که این اعضا چه اشخاصی باید باشند و نظر بصلاحت است بجهت این که هر کدام بکنند مخصوصی خواهند داشت که ببینند در واقع ده سال طبابت کرده است و آن تصدیقی که از اطبای معروف در دست دارد از طبیب معروف است قابل ملاحظه است و همینطور امریکائی و طبیب دولتی باید بدانند که قابل ملاحظه است فقط برای این نیست که بعد ببینند ده سال طبابت کرده است یا خیر این ماده لازم است

معزز الملک - مخالفت بنده در این ماده در واقف راجع بخود ماده نیست راجع باین است در ماده قانونی نیاید نوشته شود که ثانیاً بکنند از اطبای مریضخانه امریکائی این را که در قانون نوشتن مقیده بنده گویا لزومی ندارد بجهت اینکه ممکن است فردا مریشخانه امریکائی بسته شود و باینکه طبیب درستی نداشته باشد که دعوت بکنند باینکه مریض خانه دیگری که معروف باشد الا بالاخره مربوط خواهد شد بنظر نامانم داخلی و در آنجا این باید قید شود لکن در این قانون نوشتن خوب نیست

رئیس - چون مخالفی نیست ممکن است که اینرا در کمیسیون اصلاح کنند . دکتر حیدر میرزا - عرض میکنم این قانون غیر از قانونهای دیگر است این قانون علمی است قانون علمی باید در مسائل علمی مملکت موقت باشد و علومی که در آنجا معمول میشود لازم است تجدیدش مثل این قانون را که ما آنجا دائر میکنیم نهایت بیست سال اگر بتواند این اجرا شود و بعد از بیست سال لابد بدرجات ترقی مملکت باین تغییر خواهند

داد این زاعرض کردم که این قانون چون علمی است ممکن است تغییر بکند بجهت اینکه قانون علمی در این موارد مخصوص موقتی است و نسبت باوقات و ترقی علوم اصولش تغییر بکند حالاً گر این اسم امریکائی را بردارید و چیز دیگر جایش بگذارید باید بمقتضیات ترتیب و تعلم علمی معنی باشد.

معاون وزارت معارف - این فصل اصلاحیه ملاحظه نوشته شد و عرض میکنم اینکه باید قانونیت نیست نوشته شده است که مدت چهارماه این کمیسیون دائر خواهد بود بعد از مدت چهار ماه منقصل خواهد شد و نظر وزارت معارف در موقتی که این فصل را نوشته است این بود چون این اشخاصی که برای گرفتن اجازه نوشته شده است یک اشخاصی هستند که از این شقوق خارج نیستند یا اشخاصی هستند که در مریضخانه پستی دنیائی هستند که مدتی آنجا بوده اند یا اشخاصی هستند که از مریضخانه دیگری خارج شده اند یا اشخاصی که از مدرسه خارج شده اند یا اشخاصی که در شهر پیش اطبای معروف این شهر علم و عمل تحصیل کرده باشند و شهادت تصدیقی دارند پس اینکه قید شده است که از این چند جا باشند باین جهت بوده است که اینها معروف خواهند بود که بآن اجازه تصدیق نامه رسمیت میدهند تصدیق بکنند که و اما این اشخاص در آن مریضخانه یا آن مدرسه بوده و تحصیل کرده اند یا بعد از چهارماه اصلاً این کمیسیون منعل خواهد شد و بعد از چهارماه آن کمیسیون امتحان منقصد خواهد شد اینها قانون دائمی نیست که در اودت و غوری شود.

رئیس - مذاکرات کافی نیست (اظهارش کافی است) ماده ۸ قرائت میشود .
ماده ۸ - از تاریخ نشر این قانون تا مدت سه سال هر سال دو نوبت در بهار و پائیز کمیسیون در وزارت معارف منعقد خواهد شد برای اینکه مطابق ماده ۵ این قانون اشخاصی را که بیش از پنجسال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند و خود را به کمیسیون مکتور در ماده قبل معرفی نموده اند بمعرض امتحان در آورند کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود اولاً از دو نفر از اطبای ایرانی معروف ثانیاً از یک نفر طبیب اروپائی از مریضخانه دولتی و یک نفر از مریضخانه آمریکائی ثالثاً معلمین رسمی طبی دارالفنون رابعاً یک نفر نماینده وزارت معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود تعیین اشخاص مذکور با وزیر معارف است .

مهرزاد الملک - اگر چه ماده گذشته را بعنوان اینکه موقتی است توضیحاتی دادند ولی تصور میکنم که آن توضیحات هیچ تعلق هم بماده ندارد و باز هم بنده تکرار میکنم عرض خودم را که در قانون مخصوصاً تعیین کردن یک یا دو نفر از اطبای آمریکائی این هیچ موضوعیت ندارد هیچکس نمیکوید که از مریضخانه آمریکائی دعوت نکنند خیر معاد دعوت بکنند لکن در اینجا مینویسند یک نفر طبیب از مریضخانه آمریکائی زیرا ممکن است که مریضخانه آمریکائی بسته شود و مطابق این قانون حتماً باید مریضخانه آمریکائی را نگاهدارند که یک نفر از آنجا باید تصدیق بدهد .

ذکاء الملک - این ماده را در کمیسیون اصلاح میکنیم .
رئیس - یعنی مسترد میکنید این ماده را . (ذکاء الملک -- بله)

ماده ۹ - در اول هر سال صورت اسامی اشخاصی که اجازه نامه طبابت بآنها داده شده با موجب حصول اجازه نامه توسط وزارت داخله اعلام خواهد شد .
رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود)
ماده ۱۰ - بعد از انتشار این قانون طبییی برای امور صحیح و طبیی در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد مگر اینکه بموجب اسناد مذکور در ماده دوم دارای اجازه نامه طبابت باشد .

آقامحمد پروجر دی - بنده چون اینها هم باماده دوم متعدد المال مبینم این را بکلی زائد میدانم فقط اگر سه کلمه اضافه بشود بآن ماده کافی خواهد بود و این لغو خواهد بود بجهت اینکه آن ماده میگوید هیچکس در تهران حق طبابت ندارد مگر اینکه از وزارت معارف اجازه نامه گرفته باشد بعد از دویم هم تشریح میکند که اجازه چه جور است اینچاهم مینویسد بعد از انتشار این قانون هیچ طبیی در ادارات دولتی مستخدم نخواهد شد مگر اینکه بموجب اسناد مذکور در ماده دوم عرض میکنم همینقدر آنجا نوشته شود بعد از این جمله که در تهران حق طبابت ندارد (نوشته شود) و نمیتواند در ادارات دولتی مستخدم و اجیر شود مگر اینکه بموجب اسناد این سه کلمه کافی است .

ذکاء الملک - آنطوری که بنویسیم مقصود حاصل نمیشود چون وزارت معارف بعد از اینکه این قانون تصویب شد و از اینجا گذشت اجازه نامه خواهد داد بجهت طبقه از اطباء یکی از آنهایی هستند که تصدیق نامه طبیی ایران یا خارجه را دارند یکی از آنهایی که پیش از ده سال مستمراً در تهران مشغول طبابت بوده اند و لو اینکه تصدیق نامه ندارند یکی از آنهایی که کمتر از ده سال و بیشتر از پنجسال طبابت کرده اند و حاضر میشوند برای امتحان اینجا مقصود این است که دولت در ادارات خودش نه از آن اطبائی اختیار خواهد کرد که فقط اجازه نامه دارند بلکه از آن اطبائی که کمتر از ده سال یا بیشتر از ده سال بموجب تجربه اجازه نامه طبابت میگیرند آنها را دولت بخدمت خودش قبول نخواهد کرد .

رئیس - گو بادیکر مخالفی نیست (اظهاری شد خیر)
ماده ۱۱ - وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون از چهارماه بعد از نشر آن بموقع اجرا گذاشته شود .

ارباب کیخسرو - بنده هم وقت یک قانونی اینجا خواسته است وضع شود عرض کردم که باید یک مجازاتی برای آن در آن قانون معین شود بجهت اینکه ما همیشه منتظر مجازات هستیم و متأسفانه عرض میکنم که اینجا نوشته است وزارت داخله مراقبت خواهد کرد .

رئیس - اینجا موقع او نیست اگر هم لازم باشد یک ماده پیشنهاد میکنید .

ذکاء الملک - گو با مجازات لازم داشته باشد
رئیس - وقتی که پیشنهاد کردند جواب بفرمائید .

شور اول این قانون تمام شد حالا راپورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق قونوسول ادسا قرائت می شود .

[راپورت مزبور بسیار ذیل قرائت شد]
بتاریخ ۱۸ شهور ربیع الاولی ۱۳۲۶ در کمیسیون بودجه لایحه وزارت خارجه راجع بکار گذار ادسا قرائت وزارت خارجه ماهی دویست تومان اعتبار بری کار گذار ادسا خواسته بودند کمیسیون با کثرت عین پیشنهاد وزیر را تصویب می نمایند .

رئیس - چون آقایان کوش نهادند بکمر تبه دیگر قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)
آقای مشیر حضور مخالفند - خیر موافق - آقای شیبانی بنده هم موافقم .

رئیس - پس مخالفی نیست رای میگیریم آقایانی که باریورت کمیسیون بودجه که ماهی دویست تومان برای حقوق قونوسول ادسا تصویب کرده موافق هستند ورقه سفید خواهند انداخت و آنهایی که مخالفند ورقه آبی خواهند انداخت .
[در این موقع شروع باخذ آراء گردید آقای حاج میرزا رضا خان احصاء نمود ورقه سفید ۶۱ آبی نداشت امتناع ۱۴ - با کثرت ۶۱ رای از ۷۵ نفر تصویب شد]

[اسامی تصویب کنندگان]
فهم الملک . آقامیرزا ابراهیم خان . معاضد الملک . حاج میرزا رضاخان . نجم آبادی . محمدالدوله . حاج عزالملک . حاج سید ابراهیم . آقا میرزا رضا خان نائینی . فرانیه . عزالملک ضیاءالملک . آقا شیخ غلامحسین . حاج سید نصرالله متمد التجار . آقامیرزا قاسمخان . اعتصام الملک بهجت . طباطبائی . حاج آقا سعیدالاطباء . مشیر حضور . افتخار الواعظین . آقا میرزا مرتضی قلی خان . ارباب کیخسرو . حاج محمد کریم خان فشقانی . آقامحمد پروجر دی . آقامیرزا رضای مستوفی . آقا سید جلیل . منتصر السلطان . آقامیرزا احمد آقا سید محمد رضا همدانی . آقا میرزا داودخان مساوات . آقا سید حسین گزازی . حاج شیخ علی آقا سید حسین اردبیلی . لسانالحکماء . آقامیرزا ابراهیم قلی . دکتر حیدر میرزا . دکتر علی خان . دکتر اصمعیل خان . آقا شیخ علی شیبانی . حاج مصدق الملک . معاضد السلطنه . صدر العلماء . انتظام الحکماء . آقا شیخ ابراهیم زنجانی . سلیمان میرزا آقا میرزا محمد . نجات . مشرودی . وحیدالملک حاج شیخ رئیس . محمد هاشم میرزا . ابوالقاسم میرزا - آدینه محمدخان . علی زاده . دکتر امیرخان متین السلطنه

پیش از این یک شخص خارجی آمد یک امتیازی گرفت از دولت ایران راجع بمعادن نفت جنوب و مطابق آن امتیازی که گرفت یک شرایطی قرار داده و یک حقی برای دولت منظور شده است سواد آن امتیاز نامه را هم گرفتیم در آن کمیسینی که برای اصلاح امر عربستان تقاضا کرده بودیم منقصد چاپ کردیم به نظر همه رسانیدیم مطابق راپورتهائی که می رسد از عربستان و بعضی راپورتهائی که از لندن می رسد کمیانی بشرایط امتیاز نامه رفتار نمیکند و حقوقی که از برای دولت باید منظور شود نشده است این یک سؤال بود که مکرر شد و در این جا از طرف فوائد عامه تردید می شد بوزارت خارجه و از وزارت خارجه تردید میشد بوزارت فوائد عامه و خیلی بنده لازم می دانم که در این باب توجهی خاص بشود و یک کمیسیونی هم که در آنجا شرط شده است که باید مخصوصاً در آنجا باشد و ناظر اعمال کمیانی باشد و در آنجا هیچ اینکار نشده است باید مخصوصاً مرکز این کمیسیونی در لندن باشد بلکه نظرات آن کمیسیونی باید متوجه باشد باعمال همه کمیانی که منقصد میشود اینک عرض میکنم کمیانی چون در آن امتیاز نامه قید شده است سه چندین کمیانی راجع باین معادن نفت آن صاحب امتیاز اولی تأسیس بکنند و هر نظامنامه که نوشته میشود بایستی بنظر دولت ایران برسد مثلاً نظامنامه که برای همین کمیانی نقطه نوشته شده است گمان نمی کنم بنظر دولت رسیده باشد و این یک شرطی است که در آنجا شده است همچنین عملیات باید تمام ایرانی باشند و چه باشند اینها شرایطی است که وزیر خارجه البته مسبوق هستند حالا بنده سؤال خودم را راجع بیک مسئله میکنم که آن مسئله کمیسیونی است که چه اقدامی فرموده اند در تشکیل آن کمیسیونی که ناظر اعمال این کمیانی باشد در آنجا که یک تجاوزانی نشود چون ممکن نیست که ما از اهالی آنجا کسب اطلاع بکنیم باید یک کسی باشد که تفتیش بکنند از عملیات کمیانی یعنی آنجائی که محل عملیات کمیانی است یعنی نه جانی که دفترش و مرکز شرکت او است آیا در این خصوص اقدام شده است یا خیر سیم تلفون و خط آهنی که کشیده اند و باون طریق آورده اند آنجا آیا این حق را داشته اند یا نداشته اند تمام را میگذارد و فقط توجیه می کنم سؤال خودم را به همین مسئله تشکیل یک کمیسیونی که دارای دوشبه باشد یا دو کمیسیونی باشد چون در آن امتیاز هیچ منافاتی ندارد که یکی در لندن باشد و یکی در عربستان که ناظر اعمال معدن نفت باشد در ماشین این کمیسیونی از وزارتین فوائد عامه و خارجه اگر اقداماتی شده است معلوم فرمائید و در خارجه مسئله کمیانی نقطه مسلم است که راجع بوزارت فوائد عامه است ولی در بعضی مطالبی که آقای بهجت فرمودند جواب عرض میکنم و بنده هم آن نقطه نظر را تصدیق می کنم که بایستی کمیسیونی اگر چه در لندن اهمیت دارد که در آنجا باشد ولی یک شبه هم باید در محل باشد در این موضوع یک کمیسیونی که ما در تهران داریم که تأسیس شده است مجلس مسئله امتیازات این امر را به آنجا رجوع کردیم که ملاکات خوشان را

رئیس - آقای بهجت در باب معادن نفت از وزیر خارجه سئوالی داشتید بفرمائید

بهجت - البته خاطر آقایان مسجوق است و یقین آقای وزیر خارجه هم مسجوقند که مکرر راجع باین مسئله بنده سئوالاتی نمودم تقریباً شش سال

بکنند و اگر چیزی از شرایط فرو گذار شده است پیشنهاد بدولت کنند از کار گذاری عربستان هم در مسائل راجع به کمیانی نفت و آن وظایفی که در کترات آنها هست که بایستی رعایت شده باشد و تفتیش شود اطلاع خواسته شده و آنچه که از آنجا خبر رسید که وارد کرده اند فوراً مخبرین شد بلندن که توقیف کنند و ضمانت نمایند جواب دادند که این مسئله بدون اطلاع کمیانی بوده است امر بفرمائید توقیف کنند هم احکام صادر کردیم که این بدون اطلاع کمیانی و اجازه دولت بوده است اجازه ورود ندهند و در سایر مسائله راجع باینکار هم در وقتیکه اطلاع داده اند آنچه راجع بوزارت فوائد عامه اقدام شده و آنچه تلگراف بلندن بایستی بکنیم کرده ایم چون مذاکرات اساسی این مسئله غالباً در لندن می شود بدون یک کمیسیونی در لندن لازم است و بودن یک کمیسیونی در محل آنهم وزارت خارجه تصدیق دارد و یک مذاکره هم با وزارت فوائد عامه شده است آن کمیسیونی هم که در اینجا داریم برای امتیازات بآنجا هم راپورت داده شده است و با هم در تکمیل نواصی او کوشش دارند در باره مأمور محلی هم باید یک فکری کرد که به بینیم آن مأموری که در محل هست باید اهمیتش بیشتر باشد یا آنکه در لندن است باید اهمیتش بیشتر باشد آنهم در موقع مذاکره با آن کمیسیونی مذاکره خواهد شد معالجه در این باب آنچه وظیفه وزارت خارجه است کوتاهی نشده است بآنجا و بلندن هم تعلیمات داده شده است فرستادن مأمور را هم بآنجا لازم می دانیم این مطلب هم در تحت مذاکره است تا به بینیم نتیجه مذاکرات کمیسیون در این باب چه میشود و البته آنرا بموقع اجرا خواهیم گذارد .

بهجت - چون بعضی اطلاعات که از غف مجرای رسمی باشد نمی شود مورد سؤال و استیضاح قرار داد باین جهت بود که بنده سئوال خودم را فقط متوجه کردم بیک مسئله قانونی برای این که اینجا عقیده خودم را اینجا عرض کنم که کمیانی از شرایط خودش تجاوز می کند و کرده است این یک چیزی است مسلم برای اینکه اخبار صحیح متواتر از اشخاص بی غرض رسیده است و چیزهایی که خود دیده ام و عقیده ام این است که تا دولت یک اداره و مأمور رسمی آنجا نداشته باشد نمی تواند سؤال کند که این کار شده است و بدیهی است کار گذار که آنجا نیست یعنی اگر کار گذاری مجمره است تا آنجائی که کار میکنند پنجاه فرسخ راه است و از قراری که بما خبر رسیده است کار گذار مراده چندان هم ندارد که صورت بگیرد از آنجا که ما توانسته باشیم آن مخالفت هائی که کمیانی کرده است مورد سؤال بیاریم بنده یقین دارم که اگر هیچ چیز دیگری سؤال و استیضاح نخواهد شد و الا کمیانی خیلی تجاوزات خواهد کرد و خیلی تجاوزات هم کرده است و بنده لازم است عرض کنم که مخالف شروط شده است من جمله مسئله عمله است که در جزیره (آبادان) ۱۴۰ عمله هندو آورده و حال هم آنجا هست هیچ حق هم ندارد بنده این راهم مورد سؤال خود قرار نمی دهم در همین مسئله که فرمودند زودتر اقدامات خودشان را به فرمایند که از این تجاوزات کمیانی جلو گیری شود

رئیس - آقای بهجت در باب معادن نفت از وزیر خارجه سئوالی داشتید بفرمائید

بهجت - البته خاطر آقایان مسجوق است و یقین آقای وزیر خارجه هم مسجوقند که مکرر راجع باین مسئله بنده سئوالاتی نمودم تقریباً شش سال

بکنند و اگر چیزی از شرایط فرو گذار شده است پیشنهاد بدولت کنند از کار گذاری عربستان هم در مسائل راجع به کمیانی نفت و آن وظایفی که در کترات آنها هست که بایستی رعایت شده باشد و تفتیش شود اطلاع خواسته شده و آنچه که از آنجا خبر رسید که وارد کرده اند فوراً مخبرین شد بلندن که توقیف کنند و ضمانت نمایند جواب دادند که این مسئله بدون اطلاع کمیانی بوده است امر بفرمائید توقیف کنند هم احکام صادر کردیم که این بدون اطلاع کمیانی و اجازه دولت بوده است اجازه ورود ندهند و در سایر مسائله راجع باینکار هم در وقتیکه اطلاع داده اند آنچه راجع بوزارت فوائد عامه اقدام شده و آنچه تلگراف بلندن بایستی بکنیم کرده ایم چون مذاکرات اساسی این مسئله غالباً در لندن می شود بدون یک کمیسیونی در لندن لازم است و بودن یک کمیسیونی در محل آنهم وزارت خارجه تصدیق دارد و یک مذاکره هم با وزارت فوائد عامه شده است آن کمیسیونی هم که در اینجا داریم برای امتیازات بآنجا هم راپورت داده شده است و با هم در تکمیل نواصی او کوشش دارند در باره مأمور محلی هم باید یک فکری کرد که به بینیم آن مأموری که در محل هست باید اهمیتش بیشتر باشد یا آنکه در لندن است باید اهمیتش بیشتر باشد آنهم در موقع مذاکره با آن کمیسیونی مذاکره خواهد شد معالجه در این باب آنچه وظیفه وزارت خارجه است کوتاهی نشده است بآنجا و بلندن هم تعلیمات داده شده است فرستادن مأمور را هم بآنجا لازم می دانیم این مطلب هم در تحت مذاکره است تا به بینیم نتیجه مذاکرات کمیسیون در این باب چه میشود و البته آنرا بموقع اجرا خواهیم گذارد .

وزیر امور خارجه - اینکه آقای وحیدالملک اظهار میفرمایند که «میگویند» بنده ندانستم کی بجهت اینکه اخبار اراجیف را اگر بخوانند اهمیت بدهند شاید خیلی کارهای دیگر هم بمیان بیاید بنده این مسئله را که نسبت میدهند به آقای نواب که تلگرافاتی بایشان رسیده باشد و تلگراف را بمجلس شورای ملی نشان نداده باشد تکذیب میکنم خیر ایشان تلگرافات را داده اند و در هیچ موردی گفته نشده است که وزارت خارجه آن تلگرافات را نداده است شاید گفته شده است با بعضی از آقایان و کلاً گفته اند که آن تلگرافات را ندیده ایم این ربطی باین ندارد که وزارت خارجه وظیفه اش رساندن نیابورده باشد وزارت خارجه که وظیفه اش رساندن و کشف تلگرافات بوده اینرا انجام داده است و بنده بعد از اینکه در این باب گفتگو شد بالخصوص تفحص کردم و تمام تلگرافاتی که از اول حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده بود در کتابچه کردم یکی را برای مجلس و یکی را برای خود حضرت اقدس آقای نایب السلطنه فرستادم معلوم شد که تمام تلگرافات رسید است و وزارت خارجه تمام وظایف خودش را بعمل آورده است حالاً شاید بعضی از آقایان نمایندگان در آن مجلسی که

وزیر امور خارجه - اینکه آقای وحیدالملک اظهار میفرمایند که «میگویند» بنده ندانستم کی بجهت اینکه اخبار اراجیف را اگر بخوانند اهمیت بدهند شاید خیلی کارهای دیگر هم بمیان بیاید بنده این مسئله را که نسبت میدهند به آقای نواب که تلگرافاتی بایشان رسیده باشد و تلگراف را بمجلس شورای ملی نشان نداده باشد تکذیب میکنم خیر ایشان تلگرافات را داده اند و در هیچ موردی گفته نشده است که وزارت خارجه آن تلگرافات را نداده است شاید گفته شده است با بعضی از آقایان و کلاً گفته اند که آن تلگرافات را ندیده ایم این ربطی باین ندارد که وزارت خارجه وظیفه اش رساندن نیابورده باشد وزارت خارجه که وظیفه اش رساندن و کشف تلگرافات بوده اینرا انجام داده است و بنده بعد از اینکه در این باب گفتگو شد بالخصوص تفحص کردم و تمام تلگرافاتی که از اول حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده بود در کتابچه کردم یکی را برای مجلس و یکی را برای خود حضرت اقدس آقای نایب السلطنه فرستادم معلوم شد که تمام تلگرافات رسید است و وزارت خارجه تمام وظایف خودش را بعمل آورده است حالاً شاید بعضی از آقایان نمایندگان در آن مجلسی که

خوانده شده است غایب بودند این ربطی بوزارت خارجه ندارد .

افتخار او اعظین - در مجلس خوانده نشده

رئیس - آقای خیابانی راجع به معرفی بحر خزر سوالی داشتید بفرمائید .

خیابانی - بنده تقریباً چهار ماه است که

وزارت خارجه در خصوص فرق شدگان بحر خزر سؤال کردم و تقریباً سیصد نفر فرق شده بودند و از قراردادی که با کمیانی داشتند بایستی مبلغ کلی با آنها عاید بشود چون دو دفعه سؤال کردم از قراری که معلوم شد است اقدامات کافی در این باب نشده است لهذا این دفعه منصرف شده بودم از سؤال باز برای ملاحظه حال وراث آن فقراست سؤال میکنم و میخواهم ببینم در این مدت از وراث خارجه چه اقدامی شده است و در خصوص این پول بفقرا و وراث آنها چه عاید میشود .

وزیر امور خارجه - سوالی که فرمودید

صحیح است اما اینکه فرمودید اقدامی نشده است بنده نمیدانم اینرا دیگر از چه رواظهار فرمودند از روزیکه این مسئله واقع شد وزارت خارجه چه با بطر بورغ و چه با خرد محل هر چه توانسته است مذاکره و اقدام کرده است و حتی مأمور ولاد قفقاز را که در این امور بصیرت داشت مأموریت داد که در این خصوص اقدامات کند او هم هر چه لازم بود با فقرا میروری داخل مذاکرات شد و صورت راپورتها تیکه فرستاده است در وزارت خارجه حاضر است بالآخره قرار بر این شد که وراث معرفی و دولت نامه های خودشان را بفرستند که در باب حق آنها کاملاً اقدام و احقاق حق بشود و به ایالت اذربایجان و حکومت اردبیل و کارگذاری اینجا کاملاً تعلیمات داده شد که در این باب تحقیقات کاملاً بکنند و صورت و کالت نامه ها و اسنادیکه لازم بود فرستاده شد که بفرستند برای ولاد قفقاز نتیجه اقدامات حاصل شود چون مسری تاخیر کردند بالخصوص بنده تلگراف کرده ام ولاد قفقاز که میرا صفاق خان که کار گذار آنجا است با تعلیمات قانونی که دارد و صورت و کالت نامه که بایستی تهیه با وراث آنها بتوسط کارگذاری اقدامات خودشان را بکنند و آنچه لازم است اسناد برای ولاد قفقاز تهیه کنند و مطابق تلگرافی که بمن رسیده آن آدم بآنجا رسیده است و بحکومت اردبیل و کار گذار اینجا تعلیمات دادم که کمال همراهی را با آن شخص که میرود بآنجا بکنند و رود تر اسناد این کار را تدارک بکنند که او برود هم در بطر بورغ هم در ولاد قفقاز این مسئله در کمال جدیت منظور است منتهی در آن مقدار وجهی که بایستی مطابق قانونی که آنجا دارند و باید بدهند گفتگو شد که ما آموختار را کم میدانستیم و در این باب اقداماتی کردیم که اسنادشان معتبر باشد و بقوانیم نتیجه بهتری از برای وراث بگیریم و امیدواریم با این ترتیبات و مداریکه شده است نتیجه مطلوبه بزودی حاصل بشود و البته بعد از آنکه احقاق حق آنها شد بعرض مجلس خواهد رسید .

خیابانی - يك كلمه میخواستم خاطر نشان

بکنم که بنده اطلاع دارم که از طرف کمیانی قفقاز

میر کوری گویا اشخاص رفته اند بطرف اردبیل که بطور مخفی خودشان با ورثه يك قراری بدهند این راهم وزارت خارجه ملتفت خواهد بود .

رئیس - آقای ادیب التجار راجع به عبارت معتمد خاقان سوالی داشتید بفرمائید .

ادیب التجار - چند دفعه در اینجا بعضی از نمایندگان محترم در باب مجازات قتل مرحوم صنیع الدوله و ضارب معتمد خاقان حاکم اصفهان و قاتل عبدالرحیم خان پسر عموی معتمد خاقان از وزارت امور خارجه سؤال کرده اند و بنده هم در این خصوص چند مرتبه زحمت داده ام و بوزارت خارجه نوشته ام و فرمودند عنقریب مجازات آنها داده خواهد شد حالا از آقای وزیر امور خارجه سؤال میکنم چه اقداماتی در مجازات آنها شده و کلیتاً مجازات بکجا نتیجه بخشیده است اگر مسامحه در این خصوص هم کرده باشید کم کم بجهت حکام و مأمورین دولت اسباب و هنر و عدم پیشرفت کار میشود اقدامات خودتان را بفرمائید تا مسبوق شویم .

وزیر امور خارجه - در چند روز قبل در

باب قتل مرحوم صنیع الدوله اینجا جواب عرض کردم و آقای ادیب التجار را هم بآن جواب مراجعه می دهم و در باب اقدام اصفهان مطابق تلگرافی که خود معتمد خاقان چند روز پیش کرده بود استنطاق عباسخان تمام شده است و چون محل نظر بود که با اوضاع حاضره آنجا آیا حکم قضیه را آنجا میتوان بکنند و استنطاق را کافی میدانند یا باید باینجا بیایند و در اینجا حکم قضیه بشود خود معتمد خاقان تلگرافی که از انعام استنطاق او کرده است و صورتش در وزارت خارجه حاضر است که حتم عمل آنها را اظهار کرده بود تقاضا کرده بود حکم قضیه هم در خود اصفهان بشود این بود که بحکومت خودش کار گذاری اصفهان تعلیمات داده شده و وزارت خارجه هر وقت استنطاقات رسیده و حاضر است و بعد از صدور حکم آنها را خواهند آورد طهران برای مجازاتی که درباره آنها مقرر است و باز هم عرض میکنم چند روز پیش هم عرض کردم که در خصوص قتل مرحوم صنیع الدوله و در خصوص عباسخان که در اصفهان این حرکت ناشایسته را کرده و بطوری که کتباً تقاضا شده و شفاهاً وعده داده اند که مجازات آنها علنی باشد که اسباب اضلاع عمومی باشد و امیدوارم که در این باب همانطوری که وعده داده اند عمل شود و قریباً با اطلاع همه مردم برسد این مسئله مرحوم صنیع الدوله بایران اختصاص ندارد که فقط ایرانی ها نگران باشند بنظر بنده خیلی از سایر ملل (هم متوجه این مسئله باشند و دور نیست این مسئله معلوم هم شده باشد که تنها ایرانیها ذی مدخل نیستند که یک مطلبی که نسبت بیک شخص مشر مرحوم صنیع الدوله این اقدام بشود البته بایستی اینرا متروک و مسکوت عنه بگذارند و مسلماً بطوری که امیدواری داریم و وعده شفه می داده اند مجازات علنی آنها گوشزد تمام عالم خواهد شد

رئیس - آقای دکتر علیخان از باب مستخدمین

خارجه سوالی داشتید بفرمائید

دکتر علیخان - خاطر آقایان مسبوق است که مسئله مستخدمین خارجه يك مسئله است که مدتها

است در این مجلس مذاکره میشود و بطوری که گفتگوی مستخدمین خارجه شد تنها برای بکوزارت خانه نبود بلکه بنا بود که برای همه وزارتخانه ها با استثنای وزارت جنگ که بنسب بود بعد پیشنهاد بشود و هنوز پیشنهاد نشده است مستخدمین خارجه بیاورند و عجلتاً آنچه معلوم است فقط اقدامیکه شده است و نتیجه که داده است فقط برای مالیه بوده است و برای مستخدمین سایر وزارتخانه ها که بعضی از آنها خیلی اهمیت دارد که از آن جمله است معارف که یقیناً يك مستخدم کافی خیلی صحیحی لازم دارد و همینطور عدلیه که لازم بود يك اقدام خیلی سریعی شده باشد نتیجه داده باشد باین جهت از آقای وزیر امور خارجه سؤال میکنم که ایادر این خصوص اقدامی شده است یا خیر .

وزیر امور خارجه - در باب مستخدمین خارجه

آنچه راجع بوزارت معارف بود هنوز در باب مستخدمین وزارت علوم تقاضا و امری صادر نشده بود که اقدام نشده باشد فقط از مستخدمین کسیکه باقی است غیر از آمریکائیه که وارد رست شده اند و حرکت هم کرده اند مستخدمین زاندارمری و وزار داخله و عدلیه است آنچه متعلق بزاندازمری است انها هم عملشان تمام شده کارشان حتمی است که برای آنها تعیین شده است و بریز روز راپورت ان سفارت پاریس رسید بنظر هیئت وزراء یکمدری زیاد بود این بود که مجدداً تلگرافی بپاریس در باب حقوق آنها شد که حالاً عرض میکنم که آن میزانی که معین کرده اند مجلس تصویب بکند تلگراف میشود که کثرتشان را تصویب کرده اند بوری حرکت کنند انجا يك سلطان دوم بپاریس رسیده برای زاندارمری نباشد تصویب بکنند اینها را دیده اند و ترتیب داده اند و قبول هم شده است چیزی که در اینجا محل گفتگو بود این بود که برای سلطان بیست هزار فرانک و برای نواب هر یکی نوازه هزار فرانک تعیین کرده اند که سه مقابل مواجبی است که در سوئد بانها میدهند یعنی در سوئد نوبا هفت هزار و پانصد فرانک بسلطان میدهند و بیست و نوهزار فرانک پیشنهاد کرده اند و سفارت نوهزار فرانک را تسر کرده است و بیست هزار فرانک رافزون کرده است که بطهران اطلاع بدهند برای نواب هم یکنی دوازده هزار فرانک و برای نهارت محارج مسافرت هم وجهی حواسته است که انرا سفارت فرار داده است اینرا بطهران رجوع بکنند یعنی بعد از ورود آنها بطهران هر طور که با سایر مستخدم بالنسبه رفتار میشود برای آنها هم در موردیکه بخواهند مأموریت و مسافرتی بانها اظهار بکنند آن حرج مأموریت و مسافرت و تفاوت را منظور بکنند و يك علیق اسب هم تقاضا میکنند این بود که هیئت دولت برای نواب ده هزار فرانک و برای سلطان ناهینده هزار فرانک تصویب کرده اند و علیق هم بعهده خودشان و تفاوت خرج مسافرت هم بعد از ورود بطهران مطابق ترتیباتی که با سایرین رفتار میکنند با آنها هم منظور بدارند و تلگراف هم کرده اند منتظر خبر آنجا هستند حالا اگر چنانچه در مجلس آن پیشنهاد سفارت پاریس را تصویب میکنند دیگر انتظاری ندارد و اگر اقدام ورز را تصویب بفرمائید و تا مل نفرمائید شاید آنهم دوسه روزه جوابش برسد در باب مستخدمین عدلیه و وزارت داخله آنچه راجع به مستخدمی بود که از مصر تقاضا شده بود که بیاورند شرحی از اسلا بول در مقابل این اظهار دولت جواب نوشتند و آنرا در

چندی قبل بمجلس شورای ملی فرستادم و در آنجا نکاتی منظور کرده بود که آن خیلی محل ملاحظه بود بایستی آن کاغذیکه رسیده است در کمیسیون ملاحظه بشود و هر طوریکه مقرر داشتند از آن قرار اقدام شود و آنچه از فرانسه برای عدلیه و وزارت داخله خواسته بودیم ببعضی مشکلات و تأخیرات دچار شدیم که بالاخره آنها هم در تهران بامذاکره باشارژدافر فرانسه و هم در پاریس سفارت ایران اقداماتی کرده است که آن مسئله هم حل شده و مطابق تلگرافیکه بازاز مختار السلطنه سه روز پیش رسید حل این مشکل را کرده اند برای آن دو نفر هم تاسی هزار فرانک تقاضا کرده اند دولت سه هزار فرانک را هم زیاد دادند و تلگراف کرده اند که تا بیست هزار فرانک قرار بدهند و جواب بگویند این است نتیجه اقدامات و منتظر خبر ثانوی هستیم.

دکتر علیخان - آنچه که مربوط بحقوق مستخدمین خارجه است که آقای وزیر امور خارجه اقدام کرده اند مورد کمال تمسین و تشکر است مخصوصاً از طرف بنده که همیشه اظهار میکردم ام که حقوقی بمستخدمین خارجه داده میشود بنده زیاد میدانستم و باید سهلتر و کمتر گذرانید و آنچه که راجع به مستخدمین برای سایر ادارات از آن جمله برای وزارت معارف فرمودند که بنا نبود خواسته شود روزی که بروگرام وزراء خوانده شد و تصویب شد یکی از مواردش این بود که مستخدمین خارجه خواسته شود و اینکه بنده عرض کردم که این اقدام شده است یا نشده است فرض بنده این بود که آنها را هم که هنوز نخواستند آنها را لازم میدانند که بخواهید برای وزارت معارف و فواید عامه و همینطور برای سایر وزارتخانه ها اقدام خواهید فرمود یا اینکه لازم نمیدانید و از این مطلب بکلی صرف نظر کردند.

وزیر امور خارجه - بنده تصور می کنم که دولت لازم میدانند و اینکه بنده اینجا عرض کردم راجع بخدمه بود که در مجلس شورای ملی تصویب شده بود و امر کردند که خواسته شود و عرض کردم که برای سایر ادارات امری نشد و مجلس تصویب نکرد تا اینکه هیئت یا دولت آنها نخواهد و آنطوری که آقای دکتر میفرمایند هیئت دولت باین عقیده هستند که برای ادارات باید مستخدمین خواسته شود و برای وزارت داخله هم با تخصصی که برای نظمی لازم دارد کمال اهمیت را میدهد.

رئیس - يك سؤال دیگر هم آقای میرزا احمد راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله هست .
آقا میرزا احمد - جزو دیگری هم دارد
رئیس - در ضمن سئوالالتان بیان میکنید .
آقا میرزا احمد - سؤال بنده مشتمل بدو چیز است یکی راجع بقتله بود که جوابش را فرمودند يك چیز دیگری هم داشت راجع بمحرکین آنها بهمان دلالتی که فرمودید این دفعه خیلی وقته اسفناک و بزرگی است این است که سؤال میکنم نسبت بمحرکین آیا اقدامی شده است و چیزی معلوم شده و آیا میشود دوسیه این کار را تقدیم

مجلس بکنید که و کلاً ملتفت شوند که محرک این کار که بوده است و اگر این ممکن است بنده تقاضا میکنم که تقدیم مجلس بشود .
وزیر امور خارجه - در مسئله محرکین آنروز که اینجا عرض کردم يك اشاره کردم که وزارت خارجه باینکه تلاش کرد که محرکین اینکار را بلکه بتواند بدست بیاورد موفقیتی حاصل کرد و حالا آن آدمهایی که مرکب این عمل بوده اند معلوم بوده اند یا واقعاً و حقیقاً خودشان متصدی این عمل شدند چیزی از ایشان معلوم نشد و دوسیه اینکار هم در وزارت خارجه موجود است البته اگر مجلس شورای ملی که چیزی بر او پوشیده و پنهان نیست تقاضا کند حاضر است که بیاورند و در کمیسیون ملاحظه بکنند و در وزارت خارجه بفرستند ملاحظه شود از طرف وزارت خارجه در اینکار مانعی نیست بسته برای مجلس است .

رئیس - پیشنه دی است از طرف وزارت معارف از تقاضای یک نفر طبیب برای مدرسه دارالفنون فرستاده میشود کمیسیون معارف پیشنهادی هم از طرف آقای ارباب کتبخ و شده است در قانون طبابت میخواهند و رأی گرفته میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
 «بنده پیشنهاد میکنم در قانون طبابت کمیسیون معارف تصویب وزارت معارف ترتیبات مجازات را هم معین نمایند» .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .
 با کثرت قابل توجه شد - خاطر آقایان را متذکر میسازم که در چند جلسه قبل اینجا يك نفر برای ارسال لوایح تشکر بنحیف اشرف انتخاب شده بود ولی اکثریت تام نشده بود این است که آقایان قبل از تشریف بردن بکنفر را موافق معمول انتخاب بکنند و تشریف ببرند دستور سه جلسه آتی هم از این قرار است - دستور پنجشنبه دو از دهم قانون ثبت اسناد و قانون پستی دستور سه شنبه چهاردهم راپورت کمیسیون بودجه راجع باعزام شاگرد فرنگ - ایضاً راپورت کمیسیون بودجه در خصوص حقوق داودخان مجاهد - قانون پستی دستور سه شنبه ۱۷ - راپورت کمیسیون بودجه در باب موزه و مدرسه سیاسی و کتابخانه - راپورت کمیسیون بودجه راجع به تخفیف مالیات صنف دباغ و صباغ کاشان .

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون بودجه راجع به سید علی فشک - فروش جزو دستور شود .

رئیس - اینرا ممکن است برای سه شنبه نوزدهم قرار بدهیم عجالاً دستور کافی است .
آقای میرزا امرتضی قلیخان - روز شنبه چون ایام وفات و تعطیل است تصور میکنم که انعقاد مجلس هم تعریفی نداشته باشد .
رئیس - بله صحیح است دستور شنبه منتقل میشود بیه شنبه و سه شنبه به پنجشنبه مجلس سه ربع ساعت از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۲۴۶
صورت مشروح روز پنجشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۲۶
رئیس آقای موتمن الملک سه ساعت و نیم قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمودند و سه

ويك ربع مجلس رسماً افتتاح شد - صورت جلسه روز سه شنبه ۱۰ را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمود .
 (غائبین جلسه قبل : آقای میرزا اسدالله خان دهخدا بدون اجازه و آقا سید محمد باقر ادیب و آقای حاج امام جمعه با اجازه غائب بودند حاج وکیل الرعایا ۳ ساعت - آقای نیرالسلطان يك ساعت و بیست دقیقه بعد از وقت مقرر حاضر شدند آقای معین الرعایا مریض بودند .

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه راجع بسید علی نقی فشک فروش در جلسه ع نوشته شده شنبه ۲۱ خواهد بود ملاحظاتی است ؟ اظهاری نشد راپورت شعبه ۶ در باب نماینده مازندران خوانده میشود بعبارت ذیل خوانده شد .

شنبه ۲۶ در تاریخ سه شنبه ۱۰ شهر جماد الاولی ۱۳۲۶ تشکیل گردید اعتبار نامه آقای شریف العلماء منتخب مازندران را در تحت نظر دفت و مطامه آورده ملاحظات لازم بعمل آمد فقط منقضی شدن که در صورت اعتبار نامه موجود است نوشته شدن اسامی منتخبین درجه اول است آنهم چون در صورت مجلس هیئت نظار که در وزارت داخله موجود و در موقع تصویب اعتبارنامه دو منتخب دیگر مازندران در مجلس شرف حضور دارند و در شعبه ملاحظه شده است رفع تردید می شود لهذا شعبه ۶ با اتفاق انتخاب آقای شریف العلماء را صحیح دانسته و نمایندگی ایشان را تصویب می نماید .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی می گیریم - آقایانیکه راپورت شعبه شش را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با کثرت ۴۷ رأی تصویب شد - دستور ام وز قانون پستی قانون ثبت اسناد - شروع می کنم بقانون پستی .

وزیر مالیه - خاطر نمایندگان محترم مسبوق است که در پروگرام هیئت وزراء را تقدیم مجلس شده بود یکی از موادش هم تجدید نظر بمالیات نمک بود لایحه از طرف هیئت وزراء در این باب نوشته شده است تقدیم مجلس گنم و تقاضای فریت آنرا هم می کنم .

رئیس - خوب است که دلایل فوریت را هم بیان کنید تا رأی بگیریم .

وزیر مالیه - پس بفرمائید لایحه خواننده شود تا عرض کنم (لایحه مذکور بعبارت ذیل قرائت شد) مجلس شورای ملی - تصوراتیکه در باب عایدات قانون مالیات بر نمک از طرف اولیای امور شده بود تجربه دو ساله خلاف آنرا نشان داد هر قدر فواید مالیات مزبور را بگو از مالیات های معمول وصول و کم خرج تصور می کردیم عمل دو ساله اخیر نقض آنرا ثابت کرد و قتی که عنوان مالیات نمک در مجلس شورای ملی شد تمام توجهات بر مقدار مصرف آن معطوف و عایدات آنرا از روی همان مأخذ مقدار بچندین کرور بالغ و هیچ تصور مشکلاتی را که از بابت ترتیبات اداری بواسطه کثرت معادن و نداشتن لوازمات حاصل می شود منظور نمی داشتیم برای اظهار مشکلات اداری و مراقبت علاوه بر کراه و مخالفت افکار عامه بوضع این مالیات که از روز اول